



در امر کانز

\$1.50

مشرقی نام مردم افغانستان

شماره نهم / سال بیست و دوم / چهارشنبه ۳۰ دلو ۱۳۹۲/۲۸ ربيع الثاني ۱۹/۱۴۳۵ / ۲۰۱۴ / شماره مسلسل ۹۶۷

افغان مینی مارکیت و نانوائی
عرضه کننده انواع مواد خوراکی و وطنی

کتاب ارزنده سیرتاریخ هنر در افغانستان
ART THROUGH AGES IN AFGHANISTAN
تألیف استاد حامد نوید به زبان انگلیسی در دو جلد موجود است.
علاقمندان با ما تماس بگیرند ارسال پول به تمام دنیا به زودترین فرصت با
Western Union
6566 Backlick Rd. Springfield, VA 22150
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

بیمه استیت فارم
LIKE A GOOD NEIGHBOR, STATE FARM IS THERE.®
For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405
703-369-6224
ماری خلیلی، افضل ناصری
خانه، موتو، صحت
حیات، تجارت

چشم حقیقت گشای، بین که تجلی کیست
صورت حق تافته ست در بستر هست و نیست
مصر دلم پر ز شور آمده است از ازل
شاهد معنی ماست زیب صورها شده
حضرت توحید ذات، در نظرم بی حجاب
از دیوان «شور عشق» حضرت شیخ سعدالدین انصاری رحمه الله علیه

حمایت باشندگان کوهدامن از سیاف

۱۴ فبروری / کابل - طلوع نیوز: مسؤلان ستاد انتخاباتی سیاف روز پنجشنبه گفتند فرارست پیکارهای انتخاباتی این نامزد در ولایات دیگر نیز گسترش یابد. نامزد دیگر در انتخابات داوود سلطان زوی از مردم خواست به کسی رأی ندهند که جنایتی مرتکب نشده باشد. شماری از باشندگان ولسوالی کوهدامن کابل در گردهمایی های جداگانه از برنامه های عبدالرب رسول سیاف حمایت کردند. نماینده مردم کابل در مجلس نمایندگان نور اوریاخیل گفت: من از قومندانان و مولوی صاحبان و مهمانان که در اینجا آمده اند میخوام که به استاد رای دهند.

محمد داوود سلطان زوی نیز برنامه هایش را به شماری از باشندگان شهر کابل بیان کرد. سلطان زوی گفت: اگر من پیروز شوم بو هنتونها را از وضعیت کلاسیک بیرون خواهم کرد و معیاری خواهم ساخت، به مرکز فن نوین مبدل خواهند شد. ولایات ننگرهار و لغمان نیز گروه پیکارهای ستادهای انتخاباتی عبدالله عبدالله و زلمی رسول بودند. نماینده مردم ننگرهار در مجلس نمایندگان حضرت علی گفت: اگر رای تانادرست استعمال کنیده به نزد خدا و پیامبر یاسخگو خواهید بود، پس به کسی رای دهید که صادق باشد و به وطن خدمت کند. ستاد انتخاباتی اشرف غنی احمدزی نیز در ولایت نیمروز با هوادارانش دیدار کرد.

سناتور امریکا: ممکن کرزی عمدا در صدتیر ه شدن روابط امریکا و افغانستان باشد

۱۴ فبروری / واشنگتن دی سی - صدای امریکا: یک مقام ارشد استخباراتی امریکا میگوید کرزی حاضر نیست موافقتنامه امنیتی میان ایالات متحده و افغانستان را به امضا برساند. این کار سبب خواهد شد تا روابط دراز مدت بین دو کشور در حالیکه عساکر امریکا در صدد خارج شدن از افغانستان اند، به وضع نا معلومی باقی بماند. جیمز کلپر، رئیس اداره استخبارات امریکا به سناتوران گفت این موافقتنامه تازمانیکه کرزی بقدرت است به امضا نخواهد رسید، کلپر میگوید به عقیده او، که لزوماً به مشی حکومت امریکا ارتباطی ندارد، کرزی نمیخواهد این سند را به امضا برساند. اداره او با ما تهدید کرده که اگر توافقنامه به امضا نرسد در آن صورت امریکا به حضورش به صورت کامل در افغانستان خاتمه می بخشد. در حال حاضر در ایالات متحده حمایت از حضور نظامی امریکا در افغانستان نزد امریکاییان بسیار پایین ترین حد رسیده و رفتار کرزی وضع بد را بدتر میسازد. این مطلب را کارل لیون، رئیس کمیته خدمات نظامی که یک دموکرات است بیان داشته است. میگوید: تاحال کرزی از امضای سند توافقات دوجانبه امنیتی ابا ورزیده و این سندی است که او با آن موافقت کرده بود. کرزی در عین حال در بیانیه های خود مطالبی را بیان داشته که سبب یزاری مردم ایالات متحده امریکا از تداوم کمکهای این کشور به افغانستان شده است. لیندسی گراهام، سناتور جمهور بخواد بصورت پوست کنده گفت به فکراو کرزی عمدا میخواهد این روابط تیره شود، گراهام از مردم افغانستان خواست تا این مطلب را درک کنند که او خواهان روابط معاوتی، سیاسی، اقتصادی و نظامی با افغانستان می باشد.

حمایت منصور نادری و اتمر از احمدزی

۱۴ فبروری / کابل - طلوع نیوز: رهبر فرقه اسماعیلیان سید منصور نادری روز پنجشنبه گفت: من از تمام مردمان اسماعیلیه و حامیان مان میخوام بادل بستگی شدیده پای صندوقهای رایدهی بروندورای شان را برای پیروزی اشرف غنی احمدزی به صندوقها بریزند. اشرف غنی گفت در صورت پیروزی در انتخابات ۳۹۳۳ تمام زبانهای سوم رارسمی خواهد ساخت و به محرومیتها پایان خواهد بخشید. او گفت: این وحدت ملی را که امروز در اینجا تبارز دارد با خون خود و آخرین قطره خون خود حفظ می کنیم و توسعه خواهیم داد.

کمک ۴۳ میلیون دالری جاپان به میدان هوایی کابل

۱۴ فبروری / کابل - باخت: امروز موافقتنامه دروزرات خارجه به امضاء رسید که به موجب آن جاپان ۴۳ میلیون دالر را بخاطر توسعه و بازسازی میدان هوایی بین المللی کابل به مصرف میرساند. وزیر امور خارجه قبل از امضاء این توافقنامه گفت جاپان ۴۳ میلیون دالر را در بخشهای ساختمان ترنیل و خرید برخی تجهیزات چون ماشینهای آکسری دروازه های بررسی امنیتی و موتوهای بس به مصرف میرساند. جاپان دومین کمک کننده در افغانستان میباشد که تاحال حدود ۵ میلیارد دالر افغانستان را در بخشهای مختلف کمک نموده که صدمیلیون دالر آن را در میدان هوایی بکابل به مصرف رسانده است. به گفته او، سفیر جاپان در کنفرانس توکیو تهدید نمود که ۹ میلیارد دالر را تا سال ۲۰۱۷ به افغانستان کمک می نماید. بعدا هیروتا کاهاشی سفیر جاپان گفت: میدان هوایی کابل دروازه افغانستان باجهان بوده و کمکهای ما به این میدان نمادی دوستی میان مردم جاپان و افغانستان میباشد. کمک جاپان به این میدان بمنظور احیای منزل دوم بخاطر بررگشت مسافرن دروازه های امنیتی، توسعه میدان و ماشینهای کنترل مسافرن میباشد.

تدویر کمسیون آمادگی برگزاری جشنواره غزنی

۱۴ فبروری / کابل - باخت: بر ریاست داکتر سید محمود رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ جلسه کمسیون آمادگی برگزاری جشنواره غزنی امروز دایر شد. داکتر رهین گفت درین نشست پیرامون بازنگری آمادگیهای لازم برای برگزاری جشنواره بحث گردید تا تائیداتیم به همکاری وزارتها و نهادهای ذریع جشنواره هر چه شایسته تری را در هفته اول ماه حوت در ولایت غزنی برپا نماییم. انجنیر محمد یوسف پشتون مشاور ریاست جمهور در امور ساختمانی ضمن قدردانی از کار کردهای وزارت اطلاعات و فرهنگ و ولایت غزنی، نظریات خود را در رابطه به تسریع روند آمادگیهای لازم ابراز کرد. موسی خان اکبرزاده والی غزنی نیز پیرامون کارهای انجام شده در آن ولایت و پروژه های نیمه تمام اشاره کرده، خواهان توجه نهادهای که کاربرخی از پروژه های آنها در ولایت غزنی نیمه تمام مانده، شد.

نخستین مناظره پنج کاندید ریاست جمهور برگزار شد

۵ فبروری / کابل - بی بی سی: پنج کاندید ریاست جمهور در اولین مناظره تلویزیونی طلوع نیوز، شب سه شنبه اشتراک کردند. این کاندیدان بر مسایلی چون اوضاع امنیت داخلی و سیاست بعد از انتخابات سال آینده بحث و گفتگو کردند. پنجهای نامزدان شامل مسایل چون امنیت، فساد اداری، حقوق زن و قرار داد امنیتی کابل و واشنگتن که اجازه بودن نیروهای امریکار بعد از ۲۰۱۴ میدهد، بود. آنان برای ۲ ساعت به سئوالات مجاهد کارگر، گرداننده برنامه پرداختند.



احمدزی، وردک، رسول، کرزی و عبدالله در نخستین مناظره تلویزیونی عبدالله عبدالله، فردوم در انتخابات ۲۰۰۹، قیوم کرزی برادر رئیس جمهور فعلی، اشرف غنی احمدزی و وزیر مالیه اسبق، زلمی رسول وزیر خارجه اسبق و عبدالرحیم وردک وزیر دفاع اسبق اشتراک کنندگان این مناظره بودند. شش نامزد ریاست جمهوری دیگر به زودی در مناظره دیگر اشتراک خواهند.

موضوع امنیت، نقطه اساسی مناظره بود، این درحالیست که قوای ناتو در بعد از سال ۲۰۱۴ از افغانستان خارج میشود و مسئولیت به قوای امنیتی افغان انتقال میکند. قیوم کرزی در رابطه به امنیت گفت: ما بر آوردن امنیت، مبارزه با فساد و بیکاری کوشش میکنیم، چیزهاییکه بر امنیت تاثیر گذار است. عبدالله گفت: ما به یک راهکار واضح در رابطه به آوردن صلح ضرورت داریم، ماضورت به دادن نقش مردم در امنیت داریم. به سطح منطقه، بزرگترین خطر لانه های تروریستی است. به سطح بین المللی، کمک و حمایت برای قوای ما است.

اشرف غنی گفت: ما باید بین صلح و امنیت تفکیک کنیم. توانایی های قوای امنیتی افغانستان خوب است. ما به پاسخدهی بیشتر ضرورت داریم. ارتقا در قوای امنیتی باید بر اساس شایسته سالاری باشد، مادر حمایت از قوای مان به شفافیت ضرورت داریم. زلمی رسول گفت: سیاست دوجانبه دارد داخلی و خارجی. بر علاوه آوردن صلح، ما ضرورت به توانمندی قوای امنیتی افغان داریم، به ابزار بیشتر ضرورت دارند. عبدالرحیم وردک گفت: ما ضرورت به بهبود قوای هوایی داریم تا مشکلات لوژیستیکی حل شود. ماضورت به تحکیم تمام قوای خود داریم و ضرورت به قوای امنیتی قوی داریم تا بتوانند امنیت افغانستان را بگیرند و هم از منطقه را بدون تدارکی خوب، رشد اقتصادی، کنترل مدنی و اشتراک مردمی به امنیت می انجامد.

در رابطه به گفتگو با طالبان، تقریباً تمام نامزدان نظریات مشترک داشتند و هر پنج نامزد خواهان مذاکرات با شورشیان شدند و خواستار قطع روابط شان با گروههای هراس افکن چون القاعده شدند. در حالیکه احمدزی کشتار مردم بیگناه و حملات انتحاری را نکوهش کرد، گفت بعضی از طالبان از خاطر فساد و بیعدالتی سلاح بر داشته اند. در پاسخ اینکه آیا طالبان دشمن مردم افغانستان هستند، رسول به طور غیر مستقیم گفت کسانی که مکاتب را می سوزانند، اطفال مان را می کشند، مردم بیگناه و عساکر مان را کشند، آنها دشمنان هستند.

عبدالله خواهان یک پرسه شفاف صلح با طالبان شد، اما گفت: ما باید واضح بسازیم کسانی که صلح نمیخواهند، چاره دیگری جز مبارزه با آنان نیست. کثرت اشتراک کنندگان نیز از گفتگوهای صلح حتماً به کردند. نتیجه نظر سنجی اشتراک کنندگان نشان میدهد که ۲۹٪ از جنگ دوامدار علیه طالبان حمایتی کردند، ۴۱٪ از گفتگوهای صلح حمایت کردند و ۲۹٪ دیگر از دولت مشترک با طالبان حمایت کردند.

دو موضوع دیگر که مورد بحث قرار گرفت، عبارت از اقتصاد و فساد بود. احمدزی و کرزی تهدید بستند که در دولتهای شان پاسخگو باشند. این درحالیست که وردک بطور مشخص خواهان ساده ساختن دیوان سالاری و تقویت مالی شد. پیمان امنیتی دوجانبه درم کز گفتگوها قرار گرفت و تمام کاندیدان حمایت شانرا اعلان کردند. کرزی تاحال از امضای پیمان خودداری کرده است. در حال حاضر از ۸۰۰۰۰ نیروی خارجی در افغانستان، ۴۷۰۰۰ شان ثن امریکایی هستند.

حاصلات زعفران سرپل افزایش یافت

۱۳ فبروری / سرپل - باخت: حاصلات زعفران در ولایت سرپل، امسال نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. کشت زعفران از پنجمال بدینسو در ولایت سرپل ترویج یافته و اکثر مردم مصروف کشت این نبات بارزش هستند. از حاصلدهی و کیفیت کشت شان نسبت به نباتات دیگر رضای میباشند، زیرا هر سال حاصلات زعفران نسبت به سال گذشته افزایش مییابد. خیر محمد رئیس انجمن زعفران کاران آنولایت گفت علت افزایش زعفران حاصلخیز بودن خاک و ابتکارهای ریاست زراعت و آبیاری در بخش زراعت و همکاری کارمندان فنی آن ریاست میباشد. پیاز زعفران از سوی موسسه داکا و صلیب سرخ به همکاری ریاست زراعت و آبیاری به دهقانان توزیع شده و در حال حاضر در ۱۲۰ قطعه زمین مردان و در ۶۲ قطعه زمین دیگر زنان مصروف کشت زعفران میباشند. هر قطعه زمین زعفران نیم جریب است که در آن چهارصد کیلو گرام پیاز زعفران زرع میشود.

زعفران گیاهی است که در مناطق نسبتاً گرم و قاطیکه دارای زمستان های ملایم و تابستان گرم و خشک باشد و در معرض بادهای سرد قرار نداشته باشد، زرع می شود.

چيستستان!

در کشورهای پسمانده مثل ایالات متحده، آلمان، فرانسه و غیره، به خاطر قحط الرجالی مفرط، و موجودیت حکومت مستبد و بیکیافت، معمولاً در وقت انتخابات، فقط دو نفر، و به ندرت سه نفر برای مقام ریاست جمهور کشورشان تلاش میکنند، و با هم بخاطر همان قحط الرجالی مفرط، مردم بیچاره این کشور های پسمانده، مجبور میشوند تا حتی گاهی به کدام زن هم مقام نخست حکومت را بدهند! مگر در کشور پیشرفته و پر (رجال) افغانستان، همین حالا یازده رجل کاندید مقام ریاست جمهوری باشند، و ماشاءالله هیچ (رجاله) ای هم جرئت نکرده تا داوطلب آن کرسی گردد!!

درین کابلیان عزیز چندین اصطلاح خوب و ناخوب وجود دارد، که برای توصیف یا تحقیر بعضی عوام (کل لاتعام) بکار برده میشود، که ما را درین معروضه کاری به خوبی و بدی آنها نیست و فقط به سببی که یکی از متفکرین بیکار لست آن اصطلاحات یا واژه ها را، بعنوان صفت هر یک از کاندیدها جمع آوری کرده، و برای نشر فرستاده، بعنوان (چيستستان) به نظر خوانندگان گرامی رسانیده میشود، بدین قرار: ۱- چه شاخ زیرک، ۲- دانگه ی، ۳- دبنگ، ۴ - چوتار ۵- چنق، ۶- چلرک، ۷- لتیره، ۸- غولدنک، ۹- لنده هور، ۱۰- دبه، ۱۱- جو کره. تا اینجا را شوخی حساب بشمارید.

اما مجله فرانسوی (خبرهای افغانستان) در شماره ماه دسمبر ۲۰۱۳ خود، سن هر یازده کاندیدای ریاست جمهور افغانستان را انتشار داده، که ترجمه آنرا بنابر لست تهیه شده کمسیون انتخابات، در قرعه کشی آن کمسیون، ذیلاً به نظر گرامی تان میرسانیم: ۱: داکتر عبدالله عبدالله ۵۳، ۲: محمد داوود سلطان زوی ۶۰، ۳: ستر جنرال عبدالرحیم وردک ۶۸، ۴: عبدالقیوم کرزی ۵۶، ۵: داکتر اشرف غنی احمدزی ۶۴، ۶: محمد نادر نعیم (غیر مشخص)، ۷: داکتر زلمی رسول ۷۰، ۸: قطب الدین هلال ۶۱، ۹: محمد شفیق گل آغا شیرزی ۵۹، ۱۰: استاد عبدالرسول سیاف ۶۷، ۱۱: داکتر هدایت امین ارسلان ۷۱ ساله.

یادداشت: به نظر میرسد اقبالاً دو کاندیداهای اول خود را دستکاری کرده و کمتر از سن حقیقی خویش در اسناد درج کرده اند: اشرف غنی احمدزی و محمد داوود سلطان زوی. چنانچه هبوطانی سن حقیقی این دو کاندیدها و شاید هم کاندیدان دیگر را در دسترس داشته باشند، لطفاً به اداره امید بفرستند.

مکین: از روش کرزی متاثر هستم

۷ فبروری / واشنگتن دی سی - صدای امریکا: جان مکین، سناتور ارشد جمهور بخواد میگویند مذاکرات کاندیدهای ریاست جمهوری افغانستان اطمینان حاصل کرده که توافقنامه امنیتی دوجانبه میان کابل و واشنگتن بعد از انتخابات ریاست جمهوری امضا میگردد. او در مصاحبه با بخش دری صدای امریکا گفت هر یک از نامزدان ریاست جمهور افغانستان در مباحثه تلویزیونی که داشتند گفتند خواهان امضای توافقنامه برای حضور نیروهای امریکادر افغانستان اند. اما مکین تاکید کرد کاندیدها باید از مدت زمان حضور نیروهای امریکادر افغانستان آگاهی حاصل کنند. وی باور دارد که نیروهای نظامی کشورش در افغانستان حضور دراز مدت داشته باشند، اما در جنگ دخیل نشده و تلفاتی را متقبل نگردند.

چندی پیش، جان مکین در مصاحبه با سی ان ان گفته بود که از خبر ارتباطات سری حکومت حامد کرزی با طالبان متعجب نشده است. مکین به صدای امریکا گفت رئیس جمهور متوجه آینده خود و خانواده اش است. به باور این عضو سنای ایالات متحده، امریکاییا کارهای انجام دادند که باعث عدم اطمینان کرزی شده است. او افزود: از روش کنونی کرزی متاثر است، قهر و باعصابانی نیست. کاش میتوانست از این بهتر عمل میکرد. اما بعضی دلایل منطقی برای عملکردهای موجود است و آن تردید و سردرگمی آینده میباشد. به گونه مثال: رقم نامشخص عساکر، توضیحات در مورد عملیات نظامی - مطابق به توافقنامه امنیتی - که روشن نیست.

روابط کابل و واشنگتن درین اواخر به تیرگی گراییده است. به گفته سناتور امریکایی، رئیس جمهور اواما و همتای افغانش از ماه جولای به اینسو با هم صحبت تلفونی نداشته اند. مکین به این باور است که آغاز بیگانگی روابط میان کابل و واشنگتن در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ بر میگردد که در آن کرزی فکر کرد امریکایی خواهد در انتخابات دستکاری کند و او را از صحنه بردارد. اما روابط این دو متحد در دست زمانی بیشتر به خرابی گرایید که نخستین گام علنی برای آغاز مذاکرات مستقیم طالبان با حکومت افغانستان با ناکامی مواجه شد. در آن مذاکرات، طالبان لوحه امارت اسلامی را در عقب دیوار دفتر طالبان در قطر نصب کردند که با مخالفت شدید ریاست جمهوری مواجه شد.

مکین گفت: آنچه نیکه که من می بینم، کرزی بیشتر و بیشتر، به نظر من، غیر منطقی شده میروند. اما برای این اعمال و اقدامات غیر منطقی، یک اساس وجود دارد. مکین باور دارد که کرزی بخاطر نحوه گشایش دفتر طالبان در قطر بسیار عصبانی شده بود و دلیلی برای عصبانیت وی وجود داشت. اما تا سف من اینجاست که آن رویداد کرزی را بیش از حد به مسیر نادرست و غلطی سوق داد.

۱۹ طالب در ننگرهار کشته شدند

۱۲ فبروری / جلال آباد - رادیو آزادی: در جریان عملیات مشترک نیرو های افغان و خارجی در ولسوالی شیرزاد ننگرهار ۱۹ طالب کشته و دو طالب زخمی شدند. یک مسئول مطبوعاتی قول اردوی ۲۰۱ سیلاب گفت نیروهای کماندو این عملیات راصبح دیروز آغاز کرده بودند که شب گذشته به پایان رسید. درین عملیات نیروهای آیساف و مبارزه علیه مواد مخدر نیز اشتراک کرده بودند. ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان کشته شدن ۱۷ و زخمی شدن ۶ طالب را تایید کرده اما میگوید درین عملیات ۱۱ نفر از نیروهای امنیتی نیز کشته شده اند.

محمد کبير نعيم
سکرمنټو- کالیفورنیا

جین جنون یا جنایت ؟

نظام فرتوت، متحجر ومنحط قبیله بازهم به سوی یک آزمون ناکام دیگر! دست نهادن روی کلام الله مجید، کتاب مقدس آسمانی، درپیشگاه خداوند (ج) وملت، سو گند یاد کردن که:« استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، سانه، او دافغانستان دخلکو حقوق او گئی خوندی کوم...»قبول مکلفیت و مسئولیت بزرگ و مقدس است برای سو گند یاد کنند. درعین حال به فر دفر د ملت، نهادهای مدنی، تقنینی وقضایی حق میدهد تابادقت مراقب اوضاع بوده، علامت تخلف راشناسایی، با زبان، قلم و تصویر، تخلف رایبه صراحت، به پیروی از قانون مکلف ساخته و، درصورت سرپیچی به کیفرعالمش رسانیده شود. باتکاء به همین حق، انتقادسالم وسازنده ازهر شخصی که باشد، دررأس اداره وبارده های پایین، نایاست برفعوای(حب علی وبغض معاویه) شخص پنداشته شده، بسوی سمت، مذهب، زبان وقوم جهت داده شود .

همسوئی با طالبان یک جنایت است. لطفایه این سه عنوان که درهفته های اخیردرسائه هابه خط درشت نوشته شده، توجه شود: (فرمانده طالبان درقندهار ازنندان بگرام آزادشده بود)، (دختری را که قصد حملهٔ انتحاری داشت، به خانواده اش بازگردانید.)، (تصاویرحملهٔ هوایی درشمال کابل جعلی است. نیویارک تایمز.)

یکی از حقوق و منافع مردم، درراستای وظایف دولت بر مبنای قانون اساسی، تأمین امنیت وسپردن جنایتکاران به پنجهٔ قانون است. قو تهای امنیتی افغانستان، ادارهٔ زندان بگرام رالاز آیساف(قو تهای یاری امنیت بین المللی) باچهارهزارزندانی تسلیم شدند. کمسیونیی برای بررسی مجدد پروندهٔ این زندانیان توسط فرمانی موظف شد. ظاهرا پس ازغور وپرسی، زندانیان دسته دسته آزادشده به صف طالبان پیوستند. ملت به گروگان گرفته شدهٔ افغانستان توسط نظام قبیله، در آیندهٔ نزدیک، باتأسف وحسرت، شاهد آزادشدن آخرین جنایتکار از این زندان خواهدهود.

باحضورمراجع قضایی سه گانه، ایجادهمچو کمسیونیی، متشکل از افرادغیر مسلکی، مشکوک وفاقداهلیت، کاملاً یک بدعت نارواوغیر قانونی بود. ادارهٔ دادستانی با استیذان دیوانعالی قضاء، میثوانست محکمهٔ ویژهٔ رادایر نماید. ولی دایر نمودن همچو نهادی، رسیدگی به اسناد، اوراق وشواهد، به وقت کافی، پول وافر وافرادواجد صلاحیت نیاز داشت. دستگاه فاسدودولت فاقداستعداداین مدیریت بود، لذاچندنفر انتصاب شدند، فیصله های صادر وچنانچه مقام ریاست جمهوری میخواست، طالبان رارهانمودند. آیا این یک جنایت آشکار نیست؟

آتهایی که در بند نگاهداشته شده بودند، چه کسانی بودند؟ چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است! درطول سیزده سال گذشته، حتا سالهای پیش از آن، قتلها، آدمربایها، تیزاب پاشیدنها، عملیات انتحاری، بمبهای کنسارجاده، انفجارها، ترورها، گردن زدن وچماق زدن وسنگسارها، همه زیر عنوان درشت عملیات دهشت افگنی (تروریستی) آمده میتواند. بیش ازسه هزارسرباز خارجی، چندین هزارافراد اردووپلیس ملی درعملیات بخاطر دفع این دهشت افگنهما، قربانی وافراد ملکی بشماردرحین این گیرودارها به شهادت رسیدند. خسارات فراوان مالی، تحریب سر کها وبلها، شفاخانه و مرا کرامیثیی، مکاتب و بناهای عام المنفعه که ازپول خیرات که بنام ملت داده شده بود، اعمار شده بودند، ارقام درشتی رالرائه میکند، که ائتلاف آن یک جنایت مالی است و، عاملین آن باید برای مدتهای مدید در بند نگاهداشته می شدند.

تهیهٔ آذوقه، لباس وخدمات بهداشتی برای زندانها کاری نبود که ادارهٔ فاسد وی همه چیز ازعهدهٔ آن بدر شده میتوانست! اینهمه مصارف از کیسهٔ قو تههای ائتلاف ونکس پردازان شان، نه بخاطر سر گرمی بود ونه بخاطر عناد یادشمنی قومی، زیرسربازان خارجی نه به این سرگرمیهاعلاقه داشتندونه به تعصبات قومی وزبانی وسمتی باور!

به گفتهٔ مغز متفکن درجه اول(اشر ف غنی احمدزی) ۹۸درصداین زندانیان بایک زبان تکلم میکردند، واز یک سمت وجهت بودند واین تصادفی نبود، زیرا عملیات دهشت افگنی، قتل هاو آدم ربایی هاآنها را به زندان انداخته بود و باید در هماغا می ماندهند.

امنیت وحفظ مردم از دستبردو تعدلی وتجاوز و وحشت که وظیفهٔ رئیس جمهوراست و، درقانون اساسی صراحت کامل دارد، علت در بند کشیدن این جنایتکاران بود، وظیفه ایکه قو تهای خارجی بجای رئیس جمهور بی کفایت بهعهده گرفته بودند. درموردی پولهای کلان از(کم رخلیفه) بصورت آشکارو پنهان در جیبهای این جنایتکاران کنیث ریخته شده و تاآنطرف مرزهای دیورند بدر گه شده اند!آرهاییی این جنایتکاران یک جنایت نیست؟

تعدادز یاداین زندانیان آزادشده، به بخشهای مختلف کشور در رتبه های بلند تر توسط دستگاه استخبارات نظامی پاکستان(آی اس آی) توظیف شده، عملیات تروریستی رابراه انداخته وباعت هلاکت صد هایگناه دیگر شده اند .

ناموس دستخوش سیاست ! بین سالهای ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰زمانیکه طالبان به دند شمالی ریختند، خانه هارا آتش زدن، مواشی رادر کاریزها انداختند، اشجار وباغها راسوختند و، بسافجای واعمال ضدانسانی و ضداسلامی رانجام دادند. گروگان گرفتن زنان ودختران باکره و تقدیم آتهابه باداران عرب وپاکستانی، اگرچه تکرار یادآوری مجدد آن شرم است، وشرم آورترینست که اگر طالبان تاهنوز شناخته نشده باشند، وطالبان در تکرار این بی ناموسی ها شرم ندارند.

برادری به یستی ودانئت تن درمیدهد، وناموس نه سالهٔ خودرا که معصوم و بیگناه است و، برای رفتن به جنت هیچ مائمی ندارد، مجبور میسازد تامسود انفجاری را در کمربسته ودر نزدیکی سربازان خارجی خودرا منفجر بسازد، یعنی وجودمعصوم وبیگناه این طفل نه ساله در بازارومحضر عام بایدتکه تکه شود، تاسیاست منحوس پنجایی هادر افغانستان یک قدم دیگر به پیاده شده نزدیک شود! شرم بر این ورور و ننگ بر این کلتور!شرم بر این رئیس جمهوردر امتناع امضای قراردادامنیتی، بخاطر دریافت تضمین داخل نشدن به خانه های افغانها، درحالیکه طالبان خودشان ناموس شانرا درمحضر عام تکه تکه میسازد، به چه تضمینی نیاز دارند؟

طالبان نه تنها بر مال وناموس ومسکن اقوام دیگر ساکن افغانستان حرمت و عزت قابل نینستند، بلکه ناموس خودراهم بخاطر سیاستهای غیر انسانی، درطبق

دا کتر نوید بارسا

بحث مختصری بر سه موضوع ذکر شده (متفکر دوم جهان!) در اولین مناظره انتخاباتی

دا کتر اشرف غنی(دومین متفکر جهان!)در این مناظره انتخاباتی ضمن تأیید غیر صریح، تمرکز قدرت در نظام ریاستی، کرزی سالاری، بدون هدف قراردادن این نظام، کوشش نمود تا راه حلی راپیشنهاد نماید. راه حل این جناب این بود که باید یک شورای پنجصد نفری مرکب از دانشمندان واهل خبره تشکیل شود تا با تقسیم ویاتفویض صلاحیت های بیست گانه مندرجه درقانون اساسی برای رئیس جمهور، این تمرکز قدرت بدست یک نفر چاره جویی شود.

آقای(دومین متفکر جهان!) باید بداند که از لحاظ حقوقی، رئیس جمهور که با رای مستقیم مردم انتخاب گردیده اند، قدرت اجرایی شان، که ناشی از اراده ملی میباشد، غیر قابل انقسام میباشد. مطابق روحیه قانون اساسی، صرف تفویض صلاحیت به معاونین رئیس جمهور که مستقیماً بالوسیله مردم انتخاب شده اند، قابل قبول بوده میتواند. آقای غنی میخواهد همانند کرزی سالاری، که سابقه شوم ومضریبش از یکصدویست مشاور رانها نهاده اند، باکم بهادادن به مجلس نمایندگان وار گانهای منبعث ازقانون اساسی، نهاد اضافی دیگری را بمیان آورد. جناب دا کتر عبدالله بامطلق عالی بروفق قانون اساسی ضرورت تعدیل قانون اساسی رابرای بمیان آوردن نهاد صدارت بیان نمودند. درست است که طبق گفته متفکر دوم جهان، افغانستان لابر اتوار تجربه نظام ها نیست. اما باید گفت که افغانستان تجربه نظام صدارتی را دردهه دمو کراسی داشته است، وبه همین منوال حتی در زمان تسلط نظام حزب دمو کراتیک خلق پست صدارت موجود بود. این تپلدا کتران بدون مرقلاً بود که افغانستان رابانهید یلو تطمع خلیل زاد درلویه جر که قانون اساسی، منحیث لابر اتوار تجربه نظام ریاستی هدف قراردادند.

نتایج شوم این نظام رارمروزمیبینم که حتی متفکر دوم جهان! یکی از مدافعین آن زمان نظام ریاستی، هم درصددراه حل برای آن میباشد. آقای متفکر دوم جهان! که واقعبت تلخ تمرکز قدرت رادر نظام ریاستی مشاهده نموده، بصورت پیهم شکایات والی ها وشورا های ولایتی رامبنی بر عدم صلاحیت دراجرات شان و کاغذ پرانی دولتی ناظر بوده اند، برای رفع این مشکل راه حل اساسی را بیان نیکند. جناب شان صرف به صورت پراکنده وسطحی بعضی از اصلاحات را درین مناظره پیشنهاد کرد. راه حل اساسی همان است که جناب دا کتر عبدالله متذکر شدند، یعنی نهادینه ساختن عدم مرکزیت اداری از طریق تعدیل قانون ار گانهای محلی وسایر قوانین .

فرمایشات متفکر دوم جهان! رادر باره طالبان، میتوان منحیث موجه پنداشتن این گروه منحیث یک واقعبت اید یولوژیک جامعه افغانی، طبق فرموده ایشان دانست. خدمت شان باید گفت که درباره گروه های مماثل اید یولوژیک دینی، نژادی، سیاسی، که درخشونت و دهشت افگنی همچون گروههای مماثل طالبان اند، کشورهای پیشرفته مهددمو کراسی این نوع گروهکها راباندهای تروریست دانسته ومیدانند. به هم چون گروهها اجازه فعالیت سیاسی نمیدهند. مانند گروه Ku Klux Klanدر امریکا، گروههای نیوناز یسم در تمام اروپا، گروه بادر ماینهوف Red Brigades در ایتالیا.

آقای متفکر دوم جهان! نیگو یه کدام بخش اید یولوژی این گروه (فاشیستی مذهبی)باحکام مبار که اسلامی، ارزشهای مندرجه اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقهای حقوق مدنی وسیاسی، ارزشهای بشری درقرن بیست ویکم وبالاخره قانون اساسی ما مطابقت دارد؟!/!

اخلاص دودسته به پاکستان تقدیم میدارند. بی غیرتی ویی ناموسی، و غلامی و بی فرهنگی هم حدود اندازه داردو، رئیس جمهور افغانستان بالاجحت ازین حدودو ثغور خود رامبرا پنداشته وبه هراقدامی درحمایت از طالبان و پاکستان دست می یازد و تمامیت ارضی وحاکمیت ملی را خلدشه دار میسازد. آیا این یک جنایت سیاسی دیگر نیست؟! واقفاً خنده آوراست ودرعین حال تأسف آور .

به موظفین وزارت داخله فرمان داده میشود تا این طفل پس از دریافت ضمانت به خانواده اش سپرده شود. روزنهم فروری کاخ ریاست جمهوری شاهد بر پانمودن قیافت خود دمانی برای تقدیر وستایش عملکرد این طفل توسط رئیس جمهور ومشاورینش بود! کی میتواند به چنین شعبده بازی ماهر دم وخود را فریب دهد؟ یک جبون، یک مجنون یا یک جنایتکار ؟ باز گردانیدن این طفل به جنایتکاران چه سر توشتی رابرایش رقم خواهزد؟ مگر برادر یغیرت وخانوادهٔ بی عزت وفرورخته شده به او رحم میکنند؟ اورا تازش خواهند داد؟ یا بیثی و گوش او بریده شده تا آخر عمر در خانه محبوس می ماند؟ آیا زمینهٔ تعلیم وتربیهٔ او در یک محیط سالم وامتنر بهترین مشوره از طرف مشاورین چپ وراست نبود ؟ فاجعهٔ وا زغر غور بند، یک رسوایی دیگر : یکی از فرماندهان باند جنایتکار که به حکم برادر بزرگ آزادشده بود، به منطقهٔ چهارده غور بند ولایت پروان، که بر اساس اصولنامهٔ نقلین دورهٔ امانی در آن جاسکورت داده شده اند، به فعالیتهای تروریستی آغاز میکند، امنیت شاهراه شهر را به خطر مواجه ساخته و مقدمات اشغال منطقه راتوسط طالبان فراهم مینماید. قو تهای امنیتی، پلیس و اردوی ملی برای احياء امنیت وتصفیة منطقه از جودهراس افغان به آنجا اعزام میشوند، قوماندان طالب وزیر دستاش به خانهٔ یکی از اهالی به زور داخل شده و از آنجا به تیر اندازی میپردازند. اردوی ملی بخاطر پوشش هوایی از قو تهای ائتلاف استمداد میجوید و، خانه ایکه از آنجا تیر اندازی شده، موردا صابت راکت قرار داده میشود. سر دستهٔ باند جنایتکار آزاد شدهٔ طالبان وافرادش، بشمول چهار نفر از اعضای این خانواده درین حادثه هلاک می شوند .

هیثیی برای دریافت حقیقت از طرف رئیس جمهور به منطقه اعزام میشود، ملا عبدالله ستار خواصی، طالب شناخته شده، نمایندهٔ نام نهاد منطقه در مجلس نمایندگان، که بحیث رئیس هیئت توسط کرزی توظیف شده بود، تعداد تلفات را ۱۴ نفر ملکی قلمداد نموده عکسهایی هم به دفتر کرزی ارائه مینماید. رئیس جمهور بار دیگر باطمراق، ضمن محکوم نمودن این عمل قو تهای ائتلاف، دلیل امتناع خود را در امضای موافقتنامهٔ امنیتی موجه جلوه میدهد!

روزنامهٔ نیویارک تایمز، اسناد ارائه شده توسط حکومت راجعلی و مربوط حوادثی میدانده که درسال ۲۰۰۹ در ولایت قندوز ائتلاف افتاده بود. والی پروان

افغان فونديشن تقدیم می کند :

امیر امان الله خان

تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

Other: _____ \$ 75.00 \$ 50.00 \$ 35.00

همهٔ درآمد برای امور خیریهٔ وطن (مکاتب نسوان، کلنیک ثابت و سیار) فرستاده می شود .

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780 Cell: 805 300 8585

محمد طاها کوشان

فریمونت - کالیفورنیا

سخنی با جوانان و تذکری به آقای جامد کرزی

گفت محصور صف اعداستم

در میان سنگ ها میناستم

بامن آموزای شه گردون مکان

زندگی کردن میان دشمنان

علامه اقبال لاهوری (رح)

اشتباه هاو فرو گذاشتها از حقیقت های سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی افغانستان همیشه از طرف سردمداران حکومت افغانستان تا مرز ادامه دارد. خود سرپها وخودمحوری ها وسیلیقه های ضد همه شهروندان افغانستان دوستداشتنی ما؛ و تنهاخواست یک خانواده و یک قوم و یک زبان باعث بدبختی ها، بربادی و کشتارها و آتش زدن و بر باد دادن مین گردید.

مژه خم کن ، ز رمز خلوت تحقیق ، در بگشا

به عزم چارهٔ غفلت ز مژگان کسب عبرت کن

بیدل (رح)

ما یادیاریم که سردار سرخ محمد داوود، که باوجود وابستگی اقتصادی، نظامی وسیاسی که خودش عامل اصلی این وابستگیهای چهارمیخه بود؛ در برابر برژنیف دبیر حزب کمونیست اتحاد شوروی سابق؛ همانند آغه جامد کرزی در برابر امریکای امروز؛ ایستاد و از عواقب و تأثیرات این عمل پرمطمراق واحفانته و بیجاوی موقیع؛ تا امروز مین و هم مینهان ما در خون و آتش و خاکستر کسانده شده و همین آغه جامد کرزی نیز همان اشتباه وفرو گذاشت رامر تکب می گردد و بزعم خودش میخواهد خود را یک رهبر دلسوز به هم مینهان و مین درج تاریخ نماید. چنانچه باری خود گفت:
و الله گه باتم، مام سیاست میکم؟! جامد آغه، صد ها ناروا و هزارها خیانت به ملت کردی، ولی حیفاً که هیچکدام آن(سیاست) نبود!
بارها نوشته و بار دیگر از زبان حضرت ابوالمعانی بیدل(رح) مینویسم:

به کارگاه هوس از ستم شریکی چند قیامتست که آتش بدست غول افتد

و اما ای جوانان ارجمند:

چون چراغ لاله سوزم در بیابان شما ای جوانان عجم جان من وجان شما

علامه اقبال لاهوری (رح)

شما باید که آینده سازان این مرز و بوم هستید؛ شما در این سرزمین زندگانی درازی را میگذرانید. انشاءالله. آيا از اینهمه سرگذشت ملت مظلوم در چندین قرن گذشته بنده اندرزی گرفته اید، یا نه؟ آيا شما نو جوان و جوانهای دختر و پسر چه میخواهید؟ تا چند نسل باید شماها به قوم و زبان و سمت متفرق و خونریز همدیگر باشید؟ تا چند و تا کی بی پروا و بیمه چی گویان همان راه هم میهن ستیزی و بیگانه پرستی مانند بزرگانی که شرم تاریخ و مایه فساد و بربادی و یسواد و کوچیدن اجباری به درون و بیرون مین: مادر و پدر خواهر و برادر ت را راهی نا کجا آباد ها کرده اند؛ ادامه میدهید؟

سنگ چون بر خود گمان شیشه کرد شیشه گردید و شکستن پیشه کرد

علامه اقبال لاهوری (رح)

مسئولیت ایمانی و وجدانی تو تاجیک، تو پشتون، تو هزاره، تو اوزبیک، تو ترکمن، تو بلوچ و تو نورستانی، تو سید، تو حضرت و تو ملا در برابر مین و هم مینانته چه هست؟

شما بسیاری از کشورهای دنیا را خوب به دقت مطالعه نماید؛ ببیند که همه گبرو ترسا و یهود ومسلمان ویی خدا وخالدا زیر یک پرچم و زیر یک آسمان در محدودده یک جغرافیای همان کشور چگونه بدون تبعیض بدون تعصب و بدون در نظر گرفتن خوردو کوچک بودن گروههای نژادی وزبانی در برتو قانون؛ با آرایش نسبی از ۸۵ تا ۹۵درصد؛ همانند کشورهای آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، هندوستان، استرالیا، کانادا، افریقای جنوبی وامریکا؛ با مردم و شایسته سالاری حکومت شان؛ زندگی بسر میکنند. چرا؟ و به کدام دلیل و برهان؟ این غزل ناب علامه اقبال لاهوری را بخوانید:

به آدمی نرسیدی، خدا چه می جونی
دگر به سناخ گل اویز و آب ونم در کنش
دو قطره خون دلست آنچه سنگ مینامند
عبار قفز سلطانی و جهانگیری است
سراغ او ز خیابان لاله مسی گیرند
نظرز صحت روشن دلان یغزاید
قلندریم و کرامات ما جهان بینی است
چرا همین وهم مینهان من نسل اندر نسل یسواد، پر خاشگر، بدبخت و دشمن
همدیگر باشند؟

جوانان ! شما مادرها و پدرهای آینده این مرزو بوم یبایخیزد، دست بدست هم داده از دسایس ودستههای آلوده و پراز آ زونیات شوم دست اندر کاران همسایگان نامرد و نامسلمان مین. یعنی ایران و پاکستان جلو گیری نماید. باهم خواهر وبرادر و برابر در یک خط پشت و پهلو ی یکدیگر شده، با انتخاب شایسته ترین افراد، که بویی از سمت و قوم وقبیله و زبان از ایشان به مشام نمی رسد و، متعهد به پاسخگویی به شهروندان باشند؛ رئیس جمهور مین را برگزیند.

و شما ها هم مردانه وار، همکاران راستکار وراست کردار حاشیه حکومت ایشان ونیز ناظرو مراقب گفتار و کردارشان باشید. اما بعد از انتخاب رئیس جمهور، بزرگترین وظیفه و وجبیه ومسئولیت شما آموختن ودرس خواندن است، پدرمرحوم من به ما وصیت می فرمود: آنگاهیکه من مردم، اول مکتب و یا دانشگاه تان را بروید، بعد از فراغت به کفن و دفن من پردازید.

وباین غزل ناب حضرت ابوالمعانی بیدل(رح) به آقای جامدجان کرزی تذ کری تقدیم میگردد. پاینده وسرفراز باد مین دوستداشتنی ما افغانستان!

بروت تافتت گره شانی هوس است
به حرف و صوت یلنگی نیاید باز رویه
ز ادمی چه معاش است هم جوالی خرس
به وهم وانسگارد خرد زمام حواس
چه لازم است به شیخی علاقه دستار
به دستگاه شتر مرغ انفصال مکش
عبار عبرت سر چنگ های خرس بکیر
ز تاز یانه و چوب آن چه مایه اثر است
تپیده است به دم لابیگی جنون هوس
به سحر بوچ ز اعجاز دم زدن بیدل

تعداد تلفات را دو کودک میخواند ومحل اصابت راکت راجایی قلمداد میکند که طالبان در آنجا سنگر گرفته بودند. چراطالبان ناموس وطفل ومنزل شخصی از اهالی منطقه راجبث وسیله، سیر وافر از جنگی خود قرا میدهند؟ (ص ششم)

افغان فونديشن تقدیم می کند :
امیر امان الله خان
تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳
Other: _____ \$ 75.00 \$ 50.00 \$ 35.00
همهٔ درآمد برای امور خیریهٔ وطن (مکاتب نسوان، کلنیک ثابت و سیار) فرستاده می شود .
The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362
Telephone: 805 241 0780 Cell: 805 300 8585

عبدالودود ظفری

افغانستان و شاه خانم مسیحی!
گروه‌روربسترارتژی نوامریکا، New America Strategic Study Groups گزارشی رازبرعنوان(شایدبانوی اول آیندهٔافغانستان، یک مسیحی باشد)، بتاریخ دوم جنوری ۲۰۱۴به نشرسیده، که شخصیت داکتر اشرف غنی احمدزی را بیشترافتابنی میسازد. من برگردان فارسی گزارش را پس ازیک تبصرهٔ کوتاه خدمت تقدیم می‌نمایم.



خانم رولا احمدزی

داکتر اشرف غنی احمدزی

گزارش تصویراحمدزی را درحالی‌نشان میدهد که دریک اجتماع عیسویها در بیروت درسال ۲۰۰۹ بابالاکردن هردوست به پیشانی خود، به Steven Priestیک کشیش کلیسا احترام میکند.اشرف غنی که یکی ازجدبترین حامیان طالبان تاسال ۲۰۰۱ بود، در انتخابات سال ۲۰۰۹ شکست خورد. اکنون باقبول جنرال عبدالرشید دوستم وسرودانش، متعلق به اقوام اوزبیک و هزاره، بیحیت معاونان خود، آرزوداردبه مقام ریاست جمهورنایل شود. اوکه بارای مردم در انتخابات ۲۰۰۹مقام چهارم را بدست آورد، رأی دهندگان فکرمی کردند که اوباداشتن تجربهٔ ماموریت بانک جهانی، وزیرمالیه و رئیس دانشگاه کابل، میتواندافغانستان رابه مسیربهرتری نماید. ولی حالا که ابعادشخصیتش بیشترظاهرشده، درانتخابات امسال بازمه بازنده خواهدبود. حتی لقب کنایابی (مرد متفکرودم جهان) کمکی برایش کرده نمی‌تواند.

مردم افغانستان عاشق دین و آیین خودهستندویخاطر حفظ آن جان خود را فدا میکنند، هرگونه تخطی ویی حرمتی به دین اسلام راباخون خودجواب میدهند. کسی را که باترک مسجد، به کلیساوړو آورد، به شدت مردومی شمارند. اشرف غنی که بنابرقول خانمش Rulaخودرابسیارمسیحی میننداردتایک مسلمان، نباید انتظارداشته باشد که مردم مسلمان افغانستان درین انتخابات برایش رأی بدهند.

اشرف غنی ازهمان آغازظرفدارجدی طالبان بود. باداشتن نظریات سخیف قبیولی، تاآخرین لحظهٔ سقوط رژیم طالبان از آنهادفاع میکرد. چهارروزپس از واقعهٔ ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱وویکفرپشتون پاکستانی بنام شاهدجاویدبرکی، که هر دو کارمندبانک جهانی بودند نظرداده بودند که یک میلیاردالر کمک جامعهٔ جهانی برای بازسازی افغانستان، بایدبرای انکشاف مناطق پشتونی دوسوی خط دیورنده مصرف برسد. هر دو کارشناس قبیله گرا ظهوروعروج طالبان رازین مناطق، زادهٔ فقرویسوادی مردم آتجاهاوانمود کرده بودند. ازبنکه طالبان مخلوق دستگاه مخوف آی اس آی پاکستان میباشند، و آنها را همانند آدمکهای میخانیکی (روبات) یخاطر حصول مقاصدخود استعمال میکنند، تذکری نداده بودند.

در حالیکه ملیونهارمدم ماویزبه در دهکده هاوروستاهای افغانستان در سال ۲۰۰۱ ازداشتن حداقل مزایای عصری زندگی محروم بودند، و ازبندوسرک، مکتب، آب آشامیدنی صحی و کلینک، شفاخانه وغیره ریخ وعذاب میکشیدند، این نظر اشرف غنی که پول خیراتی به باز سازی افغانستان در آنسوی سرحد درداخل پاکستان مصرف شود، جفای عظیم به مردم افغانستان بوده ومیباشد.بقینا زندگی باشندگان مناطق پشتون نشین ماورای خط دیورنددر گذشته وحال، به مراتب بهتر از زندگی مردم مناطق روستایی افغانستان بوده واست. آنها از مظاهرتمدن چون سرک اسفلت، مکتب آب صحی، خدمات بانکی، گاز، کلینک و بیمارستان وسوایل ترانسپورت عمومی، سالهاپیش برخوردارشده بودند، لهاداین نظر واهی(مرد متفکرودم جهان)!!! یک مفکورهٔ ضدملی میباشد. به جرئت می‌توان گفت که داکتر اشرف غنی یک آدم(خودکش ییگانه پرور) بوده ویا حمایت از طالبان، در خدمت آی اس آی قراردارد.

چون انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ نزدیک شده میروء، مردم باید به یک کاندیدخوشنام، دارای صحت بدنی، ثبات روانی وفکری، بدون در نظر گرفتن قوم، نژاد، سمت وزبان رأی بدهند. شخصی رابه ریاست جمهوربرسانند که در خط مشی اوتبعض و تعصب زبانی، تباری ومنطقوی بشدت محکوم شده باشد. شخصی بایدانتخاب شود که ظرفدارجدی انکشاف متوازن اقتصادی واجتماعی بوده، بضد فسادمن از اداری، کنتس کو کنار وفاچاق تریاک مبارزهٔ جدی نماید، همکاران ویوزبه معاونانش اشخاص دارای تجربه ونیکنام باشند. در حل مشکلات آتی و درازمدت مردم تلاش صادقانه کنند.اتحاداقوام وملیتهای مختلف رامدنظرداشته، وعدالت اجتماعی راتأمین نماید.

کسانیکه اشرف غنی رالاز نزدیک دیده اند، رفتارواطوارش رامشاهده نموده اند، ادعامیکنند که وی نه تنهارمیزی جسمی دارد، بلکه از مریضی روانی هم ریخ میبرد. یک شخص عصبی، بدخو ومدمی مزاح میباشد، باداشتن زبان فحش، مخالفان خودرابا کلمات خبیلی ریکت دشنام ناموسی میدهد. لهاداو شایدستهٔ مقام ریاست جمهور نمیشاد.اینک برگردان فارسی گزارش خدمت تقدیم می‌گردد:

در رأی جویی هفته های اخیر داکتر اشرف غنی احمدزی، عضو پیشین کابینهٔ کرزی، باگرفتن ۲۹٪ رأی از نزدیکترین رقیب، داکتر عبدالله عبدالله که ۲۵٪ آرا را از آن خود ساخته است، ۴٪ بیش میباشد. درسال ۲۰۰۹ داکتر غنی باکرزی رقابت نمود، درردهٔ چهارم قرار گرفت. اشرف غنی جیمز کاروایل را بصفت مشاور انتخاباتی خوداستخدام کردواز مذاکرات صلح باطالبان در صورتی حمایت کرد که دهشت افگنان در آغاز آتش بس رایبذیرند.

یکی از ویژگیهای جالب توجه در مورد اشرف غنی، خانش بنام رولا میباشد. داکتر غنی هنگام تحصیل در دانشگاه امریکایی بیروت در اوخر دههٔ هفتاد، با رولا آشناشد. رولا RULA که به یک خانوادهٔ مذهبی عیسوی تعلق دارد، شاید مقام بانوی اول کشور افغانستان را، که نهایت مذهبی محافظه کاراست، تصاحب نماید. رولا بخاطر موقف اجتماعی، شبک پوشی لباسهای اروپایی، برجسته ترین زن غربگردار امریکامیباشد. اشرف غنی بروزهای یکشنبه در مراسم مذهبی کلیسای محل، همراه باپسرش، طارق، اشتراک میورزد. طارق فرزند غنی که در امریکابدنیآآمده، ادعامیکند که رولا یک عیسوی لبنانی میباشد. خانم رولا در یک مصاحبه باشبکهٔ خبری سی بی اس CBS امریکاپه اظهار کرد:«هر گاهیکه داکتر اشرف غنی یکماه یادوماه بعد بخاطر دیدار از خانواده به امریکاباز میگردد، من برایش غذای لبنانی طرف علاقه اش را آماده میسازم.»(دنباله در صفحهٔ ششم)

داکتر سنزل نوید

یونیورستی اریزونا

سیاست زبانی در افغانستان: اختلافات زبانی و وحدت ملی(۴)

سیاست زبانی جمهوریت دموکراتیک افغانستان(۱۹۹۲–۱۹۷۸) درسال ۱۹۷۳ محمدظاهرشاه که ازسال۱۹۳۳به بعد سلطنت افغانستان را در دست داشت، توسط کودتای۲۶سرتان برهری محمد داوودصدراعظم سابق و عموزادهٔ شاه درماه جولای همان سال خاتمه یافت. در دورهٔ حکومت جمهوری محمدداوود، گروههای خلق وپرچم در نتیجهٔ وساطت و کاردانی سفارت روسیه درسال ۱۹۷۷دوباره باهم متحدشدند. درماه اپریل سال بعد گروه متحدحزب دموکراتیک خلق افغانستان در یک کودتای خونین نظامی که توسط افسران مربوط به حزب براه انداخته شد، محمدداوودرابا اعضای فامیلش درقصر جمهوریت ازین برده تأسیس جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان را اعلان نمودند. در کابینهٔ اول حزب دموکراتیک خلق مقامهای مهم دولتی مساویانه بین اعضای دو جناح حزب، یعنی خلق وپرچم تقسیم شد. نورمحمد ترکی بیحیت رئیس دولت ومنشی حزب دموکراتیک خلق و ببرک کارمل وحفیظ الله امین بیحیت معاوین ترکی اخذموقیعت نمودند.

نورمحمد ترکی در اولین نطق رادیویی، که در ۵ ماه می ۱۹۷۸ پخش شد، ادعا نمود که حزب دموکراتیک خلق افغانستان هیچگونه ارتباطی با کمونیسم ندارد. او هرگونه شایعات برخلاف این ادعا را افتراء قتنه جوینانه مخالفین اعلام نمود. اما در واقع رژیم می که بعد از کودتای اپریل ۱۹۷۸ بوجود آمد، نظام لیننستی شوروی را در همه موارد، بشمول سیاست زبانی چندملتی پیروی مینمود.

درین ماههای اپریل و می ۱۹۷۸ شورای انقلابی حزب دموکراتیک خلق با صدور یک سلسله فرمان اهداف رژیم جدید را اعلام نمود. از جمله، فرمان شماره چهار که در ۱۵ ماه می همانسال صادر شد، تساوی بین همه گروههای قومی وزبانی راتأییدنموده اعلام داشت که همه زبانهای هفتگانهٔ کشوریعی پشتو، دری،زابکی، ترکمنی، نورستانی،پشه‌ای و بلوچی، بیحیت زبانهای ملی افغانستان شناخته خواهدشد. سیاست زبانی حزب دموکراتیک مطابق بودیامفکورهٔ تساوی گرائی لینن واعلامیهٔ وی که(همه زبانهایهام از نگاه اهمیت مساوی بوده و هیچ زبان امتیازی بالای زبان دیگری ندارد). درسال ۲۰۰۱ جردهٔ هفتمه وار (کارگر) مربوط حزب کمونیست انگلستان به تمجید از اقدامات حزب دموکراتیک خلق افغانستان نوشت: «گروههای منکوب شدهٔ زبانی برای نخستین بار زبان مادری خود را ازراه رادیو شنیدند. تسلط پشتونها رسما خاتمه یافت و کشور به اساس قانون اساسی جدید به یک دولت مدنی چندملته مبدل شد. اسلام تحت اقتیاد قرار نگرفته است، اما دولت در ارتقای مذهب تعمهدی نکرده ونه در اموز مذهبی مداخله خواهد نمود…»

در ماههای بعد رژیم به تأیید تمهد خود در رشد زبانهای مختلف ملی و حمایت از اقلیتهای زبانی اقداماتی بعمل آورد. اما با وجود این مساعی، تعصبات زبانی در نهاد زین نرفت. طوریکه در بالا گفته شده، اعضای حزب خلق بطور عموم متشکل بودند از پشتوهای غلزائی باعلاق شدید قبیولی. در حالیکه پیروان پرچم را اکثر دری زبان و پشتوهای شهر نشین تشکیل میداد، که به زعم خلقی هالز عادات و رسوم اصلی و ارزشهای پشتونی کاملابدور مانده بودند. نورمحمد ترکی خود، چنانچه قبلا به آن اشاره رفت، در گذشته مربوط به گروه(وش زلمیان) بودور نهاد حیمت پشتونخواهی داشت. انورالحق احدی مینویسد که خلقی هابا پیشبرد این سیاست در خفا میخواستند که بتدریج پشتو را زبان مسلط افغانستان بسازند: «روابط بین الاقوامی با بقدرت رسیدن حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سال ۱۹۷۸ مورد توجه مزید قرار گرفت. در دورهٔ حکومت جناح خلق حزب دموکراتیک (۱۹۷۸–۱۹۷۹) رهبران کمونیست علاوه بر زبانهای پشتوو دری، زبانهای ازبکی، ترکمنی، بلوچی ونورستانی راینز بیحیت زبانهای ملی برسمیت شناختند. اما چنین بنظر میرسد که با پیروی از این سیاست خلقی هاسعی داشتند که تسلط زبان دری را ازین برده و در عوض زبان پشتو را بیحیت زبان همگانی مکاتبات رسمی تقویت نمایند.»

به ادامهٔ گفتهٔ احدی، میتوان اضافه نمود که این اندیشه مطابقت داشت با اصول(سیلینیه)مارکسیزم–لیننسم، یعنی ممزوج شدن زبانهای مختلف در انتها با یک زبان واحد. به اساس همین اصل بود که با وجود حمایت لینن از زبانهای محلی، در عصر ستالین تسلط زبان روسی بیحیت زبان رسمی وهمگانی برسمیت شناخته شد. لینن ایجاد جامعهٔ کمونیستی رادر کشوری که مردم آن از سواد کامل بهره مند نیستند، غیر ممکن مینداشت. بنابراین مفکوره، یسوادی اکثریت مردم افغانستان سد بزگی در ایجاد جامعه سوسیالیستی بشمار میرفت. اینست که با پیروی از استراتژی زبانی شوروی در آسیای مرکزی، رژیم مبارزهٔ جدی علیه یسوادی رادر رأس سیاست زبانی قرار داد. از آنجائیکه اکثریت نفوس یسوواد کشور رازنان تشکیل میداد، برنامه های سواد آموزی بزرگسالان بیشتر متوجه زنان، بالخصوص زنان دهات بود. اما با بزوغ زائشانات شدید بر علیه رژیم، برنامه های سواد آموزی بزرگسالان به کابل و دهات اطراف آن محدود ماند.

مبارزه در مقابل رژیم دموکراتیک خلق بلافاصله بعد از اعلان اصلاحات بنیادی شورای انقلابی آغاز شد. قیامهای مردمی ابتادار هرات آغاز یافته واز آنجا برعت بدیگر مناطق شیوع نمود. در اواخر سال ۱۹۷۸ حزب دموکراتیک خلق چهار گروه زیر رابعتوان دشمنان رژیم اعلان نمود: حزب اسلامی افغانستان؛ حزب (ملت) متشکل از پشتونخواهان؛ حزب ماتو کیستی(شعلهٔ جاوید)؛ و حزب(ستم ملی). معلوم است که برسمیت شناختن اقلیت های زبانی و تمهد رژیم برای تقویهٔ این اقلیتها، نتوانست که مخالفت گروهیهای سیاسی قومی و زبانی را بمقابل رژیم کاهش دهد.

منازعات شدید داخلی بین حزب دموکراتیک خلق، قدرت رژیم را ضعیفتر ساخت. بنابر تحلیل ناظران سیاسی، یکی از عوامل ضعف رژیم اختلافات بین دو جناح حزب، یعنی خلق وپرچم در تطبیق ایدئولوژی مارکسیزم–لیننسیم بود. «ترکی طرفدار آوردن تغییرات بنیادی بود و میخواست جهت بر آوردن اهداف انقلاب، یک قشر منظم وقوی کار گر مانند حزب کلاسیک کار گر لینن بوجود ییاورد. در حالیکه ببرک کارمل عقیده داشت افغانستان هنوز برای اقتباس کامل از ستراتیژی لینن آماده نیست، وفکر میکرد که در ابتدا بایدست یک جبههٔ ملی مخالف نظام کاپیتالیستی ایجاد شود تا کشور رابه سیستم سوسیالیستی یکقدم نزدیکتر بسازد». اما بگفتهٔ دیوید ادواردز، علت عمدهٔ اختلاف بین ایندو جناح عداوتهای قومی وقبیولی بود.

برسر اقتدار آمدن پرچم و تدوین قانون اساسی جدید: ادغام خلق وپرچم، که درسال ۱۹۷۸ با وساطت سفارت شوروی در کابل فراهم آمده بود، نتوانست ناهم آهنگیهای عمیق طبقاتی، قومی، ایدئولوژیکی و اختلافات شخصی را که بین اعضای ایندو جناح وجود داشت ازین ببرد. خصوصتهای دیرینه بین خلق وپرچم بلافاصله بعد از بقدرت رسیدن حزب دموکراتیک خلق سراز نو آغاز شد. جناح خلق، که از وفاداری و حمایت اکثریت سران اردو برخوردار بود، برای ازبین بردن نفوذ پرچم توطئه جیده رهبران برجسته آنرا (دنباله در صفحهٔ ششم)

پیام به علاقمندان امید

دوستان عزیز یی که جهت فراهم ساختن زمینهٔ انتشار مداوم امید یاری میرسانند، محبت فرموده چک اعانهٔ جدیدشان را بفرستند. خداوند همهٔ شان اجر وافر نصیب بدارد. چک های تان را قابل پرداخت به هفته نامهٔ امید بنویسید . با محبت واحترام، محمد قوی کوشان

داکتر عنایت الله شهرانی

یادی از گذشته های فاکولته هنرهای زیبا (۲)

از تصادف نیک معاون علمی دانشگاه کابل، آقای داکتر رسول که در عین حال رئیس فاکولته ساینس نیز بود، در دفتر رئیس پوهنتون تشریف داشت و، وی به تاسیس شعبات جدید خصوصا موسیقی علاقمندی خاص داشت و رئیس پوهنتون با من قول داد و گفت که تو کارهای خود را به هر رنگی که میخوای پیش ببر ومن از کارها وافکارت حمایه خواهم کرد . بعد از دوسه ملاقات دیگر با رئیس پوهنتون جناب انجنیر سعیدی، بر ایم فرموده که اینک کارها رابه آسانی انجام دادید، بافتن استاد درین فنون کار آسان نیست، زیرا که در رشته های هنر، تعلیم یافتگان مسلکی در وزارت مطبوعات وجود ندارد، ولی من عرض نمودم که امکان دارد که بعضی هارا باصفا تیکه شما میفرمائید پیدانمایم .

اولین شخصی را که از مطبوعات پیدا کردم جناب داکتر محمد نعیم فرحان بود، اگر چه به تفرروی تکلیفها دیدم، رنجهاکشیدم وطعنه ها شنیدم، ولی اینکار شکنی های میان تهی نتوانست در عزم راسخ من سکنگی وارد نماید، سپس زلیخاجان نورانی وبعدا استاد عبدالقیوم بیسرا آوردیم واز تیاتر خود را بیغم ساختیم. در یکی از جرایدمصاحبهٔ یکی از دوستان راخواندم در آن فرموده بود که بمجردیکه پایم در پوهنتون رسید، دیپار تمنت تیاتر را تاسیس نمودم، فوراً اینجانب عکس العمل نشان داده گفتم شمارا ما بیحیت استاد استخدام کردیم، ششماه پیش از شما دیپار تمنت تاسیس شده بود و پروگرامهاتریب گردید، و شما نامزد کلد بودید که هنوز هیچ صلاحیت نداشتینید، بالاخره آن دوست قانع شد واز کردهٔ خود پشیمان بود .

اولین استادان شعبهٔ تیاتر داکتر محمد نعیم فرحان، زلیخاجان نورانی و استاد عبدالقیوم بیسیدو دند . اولین آمر دیپار تمنت تیاتر محترمه زلیخا جان نورانی و آمر عمومی این راقم بود، داکتر فرحان و خانم نورانی در کلد دانشگاهی پیشنهادشده بودند واستادیسد بشکل حق الزحمهٔ یا قراردادی کارمینمود .

در مورد موسیقی به همکاری جناب داکتر نعیم فرحان، استاد سلیم سرمست، استفاد فقیر محمد تنگیالی واستاد حسین ارمان رادر شعبهٔ موسیقی، منحیت استادان موسیقی استخدام نمودیم و اولین استادان این دیپار تمنت هر سه استاد متذکره می باشند. اولین آمر دیپار تمنت موسیقی داکتر فرحان و آمر عمومی راقم این سطور بود . بعد از اینکه شعبهٔ موسیقی تاسیس گردید و محصول اول شعبهٔ مذکور ناصر سرمست وخالدارمان که پدران شان برای هر یک سکارل شپیف های تحصیلی دریافته بودند، بموافقه آمریت هنرهای زیبا به خارج فرستاده شدند .

در شعبهٔ تعلیم و تربیهٔ هنر جناب استاد غلام محی الدین شبنم غزنی را استخدام نمودیم تا به محصلان مضمون آرت ابتکاری را تدریس نماید ،استاد شبنم یکی از موفق ترین استادان بشمار میرفت . درین وقتیکه دیپار تمنتها ریک شروع بکار نمود و فارغ التحصیلان جدید شعبهٔ هنرهای زیبا منحیت اسپستانت عز تقرر یافتند، رئیس پوهنتون کابل فرموده که اینک دیپار تمنتهای شما یاد و میتواندمثل یک دستگاه مستقل یا آمریت عمومی شناخته شود ، و در همین مقطع مفاهمات بود که از رئیس پوهنتون مبلغ چهار صدو پنجاه هزار افغانی رانام بودجهٔ یکسالهٔ هنر های زیبا فرمان گرفتیم. در وقتیکه امر بودجهٔ سالانهٔ هنر های زیبارا از انجنیر سعیدی اخذ نمودیم، داکتر نعیم فرحان هم تشریف داشت . واز بسکه جناب فرحان رادر کارها شرکت میدادم، دوستان مارا بنام های علی اکبر وعلی اصغر خطاب مینمودند .

جناب آقای داکتر نعیم فرحان که بعد از تاسیس شعبه های تیاترو موسیقی، جهت تدریس در مضمون تیاتر استخدام گردیده بود ، تا ایام بر آمدن بسوی دیپار غیر وهجرت، منحیت معاون بامن همکاری مینمود، خداوند صحتش را خوب داشته باشد ، اکنون تکالیف صحی دارد. داکتر فرحان بعد امانحیت رئیس فاکولته هنرهای زیبا ، تاسالهای زیادی کار نمود .

قابل یاد آوری میباشد که اساس وبنیانگذاری فاکولتهٔ هنرهای زیبا به روانشاد سعید بنهدید پوهاند کتر سید بهاء الدین مجروح ویران اکادمیک اوتعلق ونسبت مییابدو ارتقادهندهٔ دوشعبهٔ نقاشی ومجسمه سازی به فاکولتهٔ هنرهای زیباو موسس شعبات موسیقی وتیاتر این جانب عنایت الله شهرانی میباشد، و کردیت رسمی ساختن دوشعبه نقاشی وهیکل ترائنی در تاریخ افغانستان بجناب پوهاند میر حسین شاه نسبت دارد، وجناب آقای حیدرزاد از آغاز تاسیس کورسهای نقاشی ومجسمه سازی تاوقت هجرت منحیت استاد وبعد از رسمی شدن اولین آمر دیپار تمنت واستاد رسمی ودومین استاد رسمی طوریکه ذکر گردید، من نویسندهٔ این سطور بودیم .

یکی ازدلائل عمدهٔ مکرر توضیح نمودن راقم این سطور به جهتی میباشد که یکتعداد بصورت کاذب حقایق را میپوشانند وهمه را بخود کردیت میدهند و به سوبهٔ اکادمیک بازمه منحیت استاد به سوبهٔ یونیورستی این نوع مبالغات و تبلیغات سوء ، کار نادرست وییجاست .

در پوهنتون کابل مارو شای چون پروفسرداکتر عبدالاحمد جاویدو استادداکتر محمدحیدرخان راداشتیم که علاقمندبه انکشاف هنر و تقویهٔ دهندهٔ زیبایی شناسی بودند، داکتر جاوید در انکشاف رادیو کابل، وتشویق نمودن هنرمندان مخصوصاً و آوازخوانهای زن ، بجدی اعظمی کارهای بنیادی را انجام داد که باید بنامش مضمون علیحده نوشته شود .

ناگفته نماند که استادان فاکولتهٔ هنرهای زیبا ، زمانیکه ترفیعات علمی خویش رابدست میآوردند، باید تحقیقات علمی نموده ونوشته های خویش را در مجلات و اخبار چیچاپ برسانند. بیاد دارم که یکی از استادان هنرهای زیبا فرموده بود که استادان هنرهای زیبا باید استثنائیت داشته ومضامین ومقالات ننویسند، در حالیکه این کار در هیچ جای جهان معمول نیست وپروفسرا باید قلم داشته ونویسنده هم باشد. هر استاد فاکولتهٔ هنرهای زیبا که به سوبهٔ پوهاندی(پروفیسری) میرسد، باید شانزده اثر علمی بنویسد که دو اثر آن باید کاملاً ابتکاری باشد ومقالات او چه در داخل وجه در خارج به چاپ برسد .

در خارج افغانستان جنابان استاد عبدالکریم رحیمی، مرتضی جان پردیس، محترمه ماربا جان دارو، محترمه فتانه بکاش عارفی، استاد ارشد بهزاد سلجوقی، استاد یوسف کهزاد، استادحسین ارمان، استاد عزیزالله هدف، آقای گل احمد شیفته، آقای خان آقاسورر، محترم عبدالستار جفایی، محمد نعیم رفاه، مشعل ترنم (توربه پرستو)، آقای حامد نویدو یکتعداد دیگر فعالیتهای هنری را از طریق قلم ، زبان وباعمل انجام داده اند .

نگارندهٔ این سطور نیز در کاروان خدمتگاران هنر در افغانستان همراه بوده کم از کم صد مقاله در خصوص هنرنو شتم، هنرمندیکه در خارج بیدردو حیات گفت، دربارهٔ وی مقاله نوشته ونامش را جاویدان ساختم، (دنباله در صفحهٔ ششم)



عنوان کتاب: هنرمندان تاریخ سبز تیاتر (۲)
مؤلف: ماریا دارو

این ابرها که مینگرم آسمان کیست؟ اندر وای ابر نهان اختران کیست؟ این دودهای تیره که در باغ شد بلند از شاخسار سوخته و آشیان کیست؟ چونانکه از هلاکو و جنگیز گذشته است گوید زمانه باز که اکنون زمان کیست؟ دشمن اگر قویست، نگهبان قویترست می دانهم اینقدر که خدا یاسان کیست!

(شادروان استاد عبدالرحمن پژواک)
در سلسلهٔ گلچینی از ذکر زندگینامه ها و دستاورد های هنرمندان، نویسنده گان و درامه نویسان که در واقعیت تمثیل گران و روشنگران، نشیب و فراز دردهای کهن و زخمهای نوین اجتماع رادر هم کوییده، ولی پر طاقت و سر بلند ملت باشهامت افغانستان میباشد، کتاب ارزشمند و پر محتوای پژوهشگر عزیز بانو ماریا دارو را در صفحهٔ ۱۳۷ آن میکشایم، و تصویر زندگینامهٔ شخصیت نجیه و شهسروطن، نویسنده و شاعر در هر دو زبان فارسی دری و پشتو، دیپلمات و روزیبه و آزموده و مبارز سخن و قلم، مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک، جلب نظر میکنند. من گوشه و شمه یی از احساسات و طنخواهی، و داغ هجرت و دردهای غربت او را در چند مصراع از یک قطعه شعرش، که در آغاز این نوشته به شما مطالعین گرمی جریدهٔ وزین امید تذکر دادم، منعکس می یابم.

بهر حال، هنوز متعلم مکتب بودم که اولین آشنایی ام بادانشمند و سخنور شجاع و پرجاذبه و نامور وطن مرحوم پژواک از طریق دوستی و رفاقتش با عم مرحوم استاد عبدالرشید لطیفی، و پدر مرحوم عبدالباقی لطیفی، که بعدها هر دو در وزارت خارجهٔ وقت با هم همکاری شدند حاصل گردید، هم آخرین بار قبل از وفات المناکش، اورا در یک ایار تمان دور افتادهٔ یکی از جاده های واشنگتن دی سی، در عالم تنهایی و انزوا و علالت مزاج، ولی با همان فکر و گفتار رسایش، با معیت پدر مرحوم عبدالباقی لطیفی، که از کالیفورنیا به دیدنش آمده بود، ملاقات کردم. حال با یادآوری از باز دیدن تبار همان روز او، همین لحظه چند مصراع از قطعه

شهر (نای خموش) او چنین یادم آمد:

اندر ازل نوشت قضا بر جبین من
ای رازجوی مهر و وفادرسراغ حق
بگذشت آن که نغمهٔ آزاد میسرد
اکنون نوای نای خموش از اسارتست
بارب مباد آئینهٔ خاطر کسی
میرهن است که در پهلوئی نویسنده گی و شاعری و نگارش درامه های رادیویی و تمثیلی تیاتر، آزمودگی و کاردانی و دستاوردهای ابتکاری مرحوم پژواک در ساحةٔ سیاسی و دیپلماتیک، در مدیریت سیاسی وزارت امور خارجه، در ماموریت های خارجش در سفارت ها و کنفرانسهای بین المللی و نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد، شهرت و طنی و جهانی دارد. در همین راستا، زمانیکه من در واسط سالهای دههٔ شصت میلادی در انستیتوت صحت عامهٔ یونیورسیتی هامبورگ (آلمان) مصروف تحصیلات تخصصی طب (رشتهٔ مایکرو بیولوژی) بودم، یکروز عصر وقتی از انستیتوت مذکور به اقامت بر میگشتم، عکس جذاب استاد پژواک در روزنامهٔ مشهور آلمانی (آبندلرلات)، در قسمت سرمقاله نظرم را جلب کرد. در پای فتوی استاد، شرح مفصلی راجع به انتخاب او بیعت رئیس بیست و یکمین اسامبلهٔ عمومی سازمان ملل متحد ترمزیر یافته بود، که از ضعف خواندن آن به اصطلاح در پیران نمی گنجیدم، و متعصن رابا ترجمه از آلمانی به فارسی دری به آدرس سفارت افغانستان در آلمان ارسال نمودم ...

حال در کتاب پر مطلب بانوی نویسنده و پژوهشگر ماریا دارو، که با استفاده ریفرانس از نوشتهٔ تحقیقی پروفیسر رسول رهین، بيو گرافي مفصل استاد پژواک تحریر یافته است، قسمتی از آنرا تقدیم میکنم:

«عبدالرحمان پژواک در همان سن نوجوانی چون چهلچراغ روشن در آسمان فرهنگ و هنر افغانستان میدرخشید. استادان و هم صنفانش استعداد دود کاوت و سجاای اخلاقی او را می ستودند، و آیندهٔ درخشان ویرا پیشبینی میکردند. در آن روزگار فاکولتهٔ طب تازه در شهر کابل تأسیس گردیده بود، وی بنا بر علاقه و استعداد شامل دانشکدهٔ طب گردید، در حالیکه طبع شعر آفرینش اورا بسوی هنر و فرهنگ میکشاند. رویدادهای نهضت امانی و شهادت برادر بزرگش در پیروی از نهضت مترقی امانی، و همچنان مرگ ناهنگام پدرش حدود سالهای ۱۹۳۸-۱۹۳۹م مسئولیت خانواده و تهیهٔ نفقهٔ فامیل، اینهمه مشکلاتی بود که مانع ادامهٔ تحصیلش در رشتهٔ طب گردید، اما بعضی دوستان بدین باور اند که علاقمندی او در ساحةٔ فرهنگی و تشویق شعراء زمان و دوستان همقلمش سبب شد تا تحصیل طب را ناتمام رها نمود و بسوی فرهنگ بنشاید. روی همچو دلایل استاد پژواک ماموریتش رادر انجمن تاریخ افغانستان بصفت ترجمان زبان انگلیسی آغازید، و در ضمن به نوشتن آثار ادبی و هنری نیز پرداخت. چندی بعد در شعبات مختلف ریاست مستقل مطبوعات تقرر حاصل نمود، و سپس مدیر مسئول روزنامهٔ اصلاح مقرر شد، و بعد از آنس باختر رارهبری نمود، و از آن به بعد به ریاست پشتو تولونه منصوب گردید.

شایان یادآور است که مرحوم استاد پژواک در انجم وظایفش در ادارات مختلف مطبوعاتی و فرهنگی به اصل آزادی بیان عقیده داشت، و فرهنگ را دوست میداشت، اما بر خلاف علاقه اش، در سال ۱۹۴۶م پایش در عرصهٔ سیاست و دیپلوماسی کشانده شد. استاد در زمانی اندک استعداد، پشتکار و فراگیری علم سیاست خود را امتجلی ساخت و، بانیسروی سرشار نردبان راه دیپلوماتیک را سیرت و تند تر تازید، وی سالیان زیادی بصفت سفیر و نمایندهٔ دایمی افغانستان در ملل متحد نامسئولیت و علاقمندی ایفای وظیفه نمود. عملکرد او در کارزار دیپلوماسی از هر نگاه خیلی چشمگیر است، بنا بر ژرف فهم و مییزان تجارب به و وظائف خطیر دیپلماتیک گماشته شد، که از جمله ریاست تجدید نظر بر منشور سازمان ملل متحد، ریاست کمیسیون حقوق بشر، ریاست مجمع عمومی و ریاست اسامبلهٔ خاص سازمان ملل متحد برای (نامیبیا) رامبتوان نام برد. خلافت و تلاشهای جناب استاد پژواک به عضویت رسانیدن افغانستان در سازمانهای تحت اثر سازمان ملل، مثل یونسکو و حقوق بشر و یونیسف و، پیوستن به اعلامیهٔ حقوق بشر و تحرک نقش کشورهای شامل نهاد عدم انسلاک در عرصهٔ بین المللی خیلی برزنده و ستودنی است.

مسجل به استاد آرشیف سازمان ملل، پژواک مؤلف حق تعیین سرنوشت ملت هاییکه به آن خودارادیت هم میگفتند، میباشد. حق خودارادیت قبل از تلاشها و زحمات مرحوم پژواک، صرفا به شکل یک اصل سیاسی شناخته شده بود، مگر در اثر مساعی او منجبت حق مسلم ملتها، در منشور سازمان ملل (قید) گردید.»
بقیهٔ فعالیتها ادبی، سیاسی و اجتماعی شخصیت نجیه و فرزانه و مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک را با است مکمل آثار و نمانشنامه های ارزشمند او، در لایبالی کتاب پر محتوای بانو ماریا دارو با بعضی از فتوهای (دنباله در صفحهٔ ششم)

داکتر عبدالغفور روان فرهادی

هشدار به رئیس جمهور آینده ما

تقریباً دوصدسال پیش از امروز، برادران سدوزایی بایکدیگر می جنگید بندند، یکدیگر را به چنگ آورده ناینامیساخند. در همان زمان ظرفی از اهل کابل، که خواب دیده بود دهباشی ضرابخانهٔ پادشاهی است، گفته بود: سکه برزری زم، تاصحیش پیدا شود!! کنون که موسم کمپین انتخاباتی در وطن آغاز شده است، به بعضی از نامزدان گوش میدهم که آوازشا، تصویر ایشان و محافل شانامدار ایشان را توسط تلویزیون می شنویم و تماشا می کنیم.

این مقاله که هشمار نامه است، به طرفداری یا مخالفت یک نامزد مشخص نگاشته نشده و، خطاب است به کسی که در انتخابات پیروز شود، هر کدام از یازده نفر باشد. از خدامیخواهیم شایسته ترین ایشان، که با ایمان صادق و صادق و راستکار، و با تجربه ودانای کار باشد، انتخاب شود و بتواند دستگاه دلتی خالی از فساد و نیرو مند ایجاد نماید و از احوال سر در گمی کنونی ما راجبات بخشند، بر کرسی ریاست جمهوری بنشینند، ان شاءالله.

میدانیم که هر نامزد پالانها آماده کرده، که در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، روابط خارجی و غیره طرح هایی دارد. بعضی نامزدان این پلانها را مفصل ترتیب داده اند و بعضی مجمل. البته این کارها در انتخابات کشورهای جهان، هر کدام به طرز صورت میگردد، اما نه در کشورهای دکتاتوری و خاصه دکتاتوری نظامی، که خداوند ما را از آن نجات بخشد. هر نامزد میگوید: من یک تیم دارم. تیم کلمهٔ انگلیسی است که افغانان از آن از نزدیک یک قرن به اینسو آشنایی دارند، اما آن تیم فوتبال است که شما، جناب رئیس جمهور، گول کبیر آن خواهید بود، و باید ضربه های تقیل توپ رادر سراسر میچ تحمل فرمایید! در این لمحات که این مقاله رامی نگارم، و در خانهٔ ریش سفیدی افتاده ام و، آنچه راز گرم و سرد روز گاردیده ام، به خاطر می آورم، به فکر احوال نیم قرن پیش می افتم که اوضاع کشور به این اندازه خطیر نبود. البته من ادعا ندارم که در آن سالیان احوال ما گل و گلزار بود، اما میگویم که شاه، صدراعظم، کابینهٔ وزراء و والیان وقاضیان داشتیم و، هر گاه سفر میکردیم، در راه ما انتحارگر، اختطاف گر و میمب کنار جاده وجود نداشت.

درست است که در آن زمان رشوت خوران داشتیم، که به پول افغانی رشوت میگرفتند و آنهم اندک، نه آنکه (به طرز امروز) به دالر رشوت بگیرند و آنهم بسیار! البته در آن روز گاردرمیان مردمان نیکو صفت و با ایمان، متأسفانه، آثار اشخاص دیگر از روی سوء اخلاق، زدنی، فساد، زن ستیزی، معتاد بودن موجود بود، اما نه به این پیماندهدش که امروز به آن دست و گریبان هستیم و، در آن زمان بیجا شدگان داخلی و چهارراهی قنبر نداشتیم و در شهر کابل کسی زمستان را بر خیمه نمی گذرانید. دربارهٔ اینهمه احوال، به رئیس جمهور آیندهٔ کشور هشدار میدهم، زیرا در این چندسال اخیر گروههای جنس دیگری در دیار ما عروج کرده اند، که به ترسیم مجمل آن می پردازم:

۱- انتحار کنندگان: که به ناحق انتحار کنندگان محض برسپاه و پلیس و افراد امنیت نخواهد بود و، باکی ندارند که مرد و زن، پیر و جوان در آتش بسوزند. ایشان در پی زوال دشمنان خواهند بود، ای جناب رئیس جمهور!

۲- اختطاف گران، ایشان گوناگون اند و مرد و زن، پیر و جوان را میربایند و، برای آزادی آنان هزاران دالر طلب میکنند و اگر درین جرم کامیاب نشوند، باک ندارند اختطاف کردهٔ خود را بقتل برسانند گرچه زن و کودک و سالخورده باشد.

۳- اهل فساد اداری: نیز در پی چارهٔ کار خود خواهند بود، و رشوه گیری رابه دالر ادامه خواهند داد و در سطحهای پایین و بالا پیروان و حامیان خواهند داشت. مبادا که در کابینهٔ شما، حامی یا حامیان پیدا کنند، آبیامیتو بنید چارهٔ کار ایشان را کنید؟

۴- مافیای: در سطح دیگر این طایفهٔ تو ظهور موجود است به چندین صفت: مافیای قدرت، مافیای ثروت، دسته ای از ایشان چپاولگران بانک و شستشو گران پول (منی لاتندر) که مثالهای ایشان رادر چند سال پیش دیده و شناخته ایم. همان هایی اند که در شهر دوی خانه های قصر نما دارند. با آنها چه خواهید کرد؟ قانون تطبیق نمیشود و، اگر به تطبیق آن کوشیده شود، دستگاه عدلی ما در حال کنونی مانند جال ماهیان است از چند سوراخ! چپاولگران از آن سوراخ بیرون میروند و از ماهی به نهنگ تبدیل میشوند. آبیاین جال ماهی رامی توانید ترمیم کنید؟

مافیای صورتهای رنگارنگ دارد، یکی از آن مافیای خانوادگی است، مرکب از دوبرادر یا شوهر و زن، که مثلاً فرار داداستخراج یک معدن را با سرمایه گذاری و امداد تکنیکی خارجی به چنگ می آرند، ازین راه انواع امتیازات مالی را حاصل میکنند. مافیایا مافیاسازش میکند: کیو تریو کیو تر، باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز!

۵- زور مندان: همه آگاهند که در وطن، جنس دیوصفتی بنام زور مندان ظهور کرده اند، از جملهٔ ایشان غاصبان زمین اند، که بعضی دسته های مسلح دارند، و بهترین زمین غصب شده آن زمین دولتی است، حاضر و آماده و فارغ ازبازخواست مانند مال بی صاحب!

۶- هراس افکنان: که البته بعضی از جنس شماره یک ودوی فوق الذکر می باشند. اکثر آلهٔ دست آی اس آی میباشند، و به هیچ مذاکره حاضر نمیگردند، اگر چه به ایشان (برادران ناراضی) خطاب شود، اگر چه از زندان بگرام توسط کمیتهٔ فرمایشی آزاد شوند (و نه توسط مقامات عدلی) و، یکمعهٔ ایشان دوباره در صف هراس افکنان بر تبهٔ بلامی رسند و آدم می کشند.

۷- نفاق افکنان: ایشان از خو پیروان متعصب دارند، حتی در رسانه ها شرارت میکنند. ایشان شعلهٔ تعصب زبانی یا تعصب فرقهٔ مذهبی یا هر دو را دم میزنند، و پنهانی آتش افروزی ایشان دور از پیشبینی می باشد.

۸- قاچاقچیان تریاک و هیروین: ایشان به کشت کنندگان تریاک و صاحبان لابراتوارهای تولید هیروین ارتباط دارند و، نوعی از مافیای هستند. میگویند تعداد معتادان ماهه یک ملیون میرسد.

۹- دیگر مفسدان: که فهرست گروههای ایشان درین مختصر مجال ندارد. در جملهٔ ده نفر نامزدان که انتخاب نشده باشند، شاید چند نفر شمارادر مقام رئیس جمهور تحمل کنند و چند نفر هم کناره بگیرند، اما دوسه تایی شان دربارهٔ اعمال سابق و جاری شمدوسیه خواهند ساخت، تا ثابت کنند که شامانلاً در پی ثروت اندوزی، یابسته به سوء اخلاق یا حتی ارتباط به خارج بوده اید و، تهمت ها و بهتان های مکارانه به پای شما خواهند بست و، بر ضد شما پرو یا کند خواهند کرد و رسانه های نازدانهٔ ما اتهامات ایشان را (خبر ساز) خواهند انگاشت.

خلاصه اینکه اینهمه گروههای مفسدان در یک شباروز وسط ماه حمل ۱۳۹۳ ناپدید نمیشوند!

بیا باید از جمع به مفرد بیایم. نفاق افکن اگر زور مند باشد و، چپاولگر اگر غاصب زمین باشد و، اگر هر دو بسته به مافیای باشد، باشما پنجه خواهند داد و خواهند کوشید یک دواتر رسانه را بکار نامانزند، سر رشته کنند مقاله ای در نیویارک تایمز و یا واشنگتن پوسست در تقبیح شما چاپ شود و، خدا نخواهد که در کابینهٔ وزرای شما متحدی پنهانی پیدا کنند (دنباله در صفحهٔ ششم)

سهراب پروان دره یی

منشا فساد اداری و وطنفروشی در افغانستان

درنگی پیرامون پیشینهٔ خاندان طلایی: دربارهٔ خاندان سلطان محمد طلایی در دوران نادر غدار و خانوادهٔ مستبد و خون آشام و بیادگران، در نصاب تعلیمی معارف، قلمهای مزدور و مبلغان سر کاری و چاپلوسان دربار و شماری از تاریخ نگاران وابسته به استبداد، سخنان بسیار اغراق آمیز و گمراه کننده نوشته اند. به باور صاحب نظران واقعی و مردمی، اینهمه نوشته ها به خواندن نمی آزد، زیرا کلیشه گونه میباشند. آن نوشتهٔ با ارزش تاریخی که کمتر در دسترس نسلهای دیروز و امروز قرار گرفته است، مقالات مؤجری بقلم (مهاجر افغان) بوده است که در شمارهٔ اول نشریهٔ (جمهوری افغانستان) در یکم سپتمبر ۱۹۵۱ صص ۱۰ / ۱۸ طبع شده بوده است. مهاجر افغان دربارهٔ خیال و تبار خاندان طلایی و نادر غدار به ايجاز و اطمینان کامل نوشته است که: ... در حدود ۱۲۳۰ قمری دودمان احمد شاهی مضمحل شد، و دودمان جدیدی از نسل محمد خان (مشهور به محمد زایی) که در دربار و دودمان احمد شاهی قری داشتند، اولاً مملکت را بدست آوردند و از همین خاندان فرزندان متعددی در بار پابنده محمد خان و برادران وزیر فتح خان در گوشه گوشهٔ مملکت از کشمیر تا هرات و آمو و سهند تا کنار بحر هند مسلط گشتند.

از جملهٔ برادران وزیر فتح خان، شخصی بنام سلطان محمد خان شهرت داشت، و این سردار عیاش و رعوت پرست (خود آرا، سست و کم عقل) حکمدار پشاور و مربوطات آن بود. وی در (وزیر باغ) پشاور آئینه خانه داشت و اوقات او پریشان درباری به عیش و نوش می گذشت. این مخلوق عجیب (طلا) را بسیار دوست داشت، طلا میخورد (کشتهٔ طلا)، طلا میوشید (پوشاک طلا)، بر فرش و بستر طلا میخوابید، دستبند و یایزب و بازوبند و کفش طلایی میپوشید، و حمایل سنگین طلا به گردن میبست، و با این عشقی که سردار به طلا داشت، بالاخره به (سردار طلایی) و سلطان طلایی نامزد شد. با بددانت این همان سردار وطنفروش است که کشمیر و سرزمین پشتونخوا را بقول قوی (مهاجر افغان) در برابر طلایی چند به رنجیت سنگه فروخت، و افغانستان را از راه بحر آزاد محروم ساخت. بقول مهاجر افغان، سلطان محمد طلایی ۴۴ پسر و ۳۶ دختر داشته است. این جمع غفیر (گروه بسیار) طلایی زادگان همواره جراثیم دربار میران افغان بوده اند.

(مهاجر افغان) دربارهٔ (یحیی خیل) این واقعیتها ی تلخ تاریخ را بروشنی و دریغ و درد عیان میکند که: «از جملهٔ فرزندان زیاد سلطان طلایی، آنانیکه بصورت مشروع به وی اند، دوبرادر سردار یحیایان و زکریا خان معروف اند، سردار یحیا خان نیز طلا پرستی و وطنفروشی وار تکاب مالا می (آلت لهو و بازی بی هوده) و مناهی را از حضرت پدر به ارث برده بود. (مهاجر افغان) پس از بیان بیماریهای عقلی و جنون پول دوستی و طلا پرستی این خاندان، مطالب دردناک دیگری را نیز فاش کرده است، از جمله نوشته:

«سردار یحیایان یک دختر خود را بدربار امیر یعقوب خان (نیمه دیوانه) به لطایف الحیل داخل ساخت، و سردار بدین وسیله تقریبی به دربار او یافت، و در نازکترین اوقات حیات مملکت که انگلیسان در جنگ دوم از طرف غازیان ملت فشرده میشدند، و سپاهیان افغان بر نامهٔ انگلیس (کیو تری) نام قهر کردند. همین سردار یحیایان بارها از انگلیس پول گرفت و معنویات امیر اضعیف ساخت و تفرقه در صفوف مجاهدین ملی انداخت، تا که بالاخره در یعهٔ دختر خود امیر ضعیف النفس را کشتان کشتان به قتل سابق قشون انگلیس به (گندمک) برد و معاهدهٔ منحوس گندمک رادر چهارم جمادی الاخر ۱۲۹۶ قمری (۱۶ می ۱۸۷۹ م) به سرامیر فاقدا لاراده امضاء کرد، و این اقدام دومی بود که خلف بعد از سلف نمود. یعنی پدر یحیا (طلایی) و لایب پشاور و بنگش را سیکها فروخت، و پسر هم به لطایف الحیل امیر یعقوب خان را مجبوره امضای معاهدهٔ منحوس گندمک کرد. دختر یحیایان بیگان علت عیاشی و عطالت و سستی مزاج امیر یعقوب شد تا که سلطنت او سقوط کرد، و زمام اقتدار افغانستان در حدود ۱۲۹۷ ق به کف آهین امیر عبدالرحمن سپردند. این امیر میدانست که فرزندان سردار یحیا، سردار محمد یوسف و محمد آصف، تحت تربیهٔ مخصوص انگلیسها قرار گرفت شده بود و در دیره دون برای مقاصد بعدی پرورش میشوند. امیر عبدالرحمن خان به گفتهٔ مهاجر افغان، در مرض مرگ به فرزندان خود توصیه کرده بود که از خاندان یحیایان احتراز جویند، ولی سردار یوسف و سردار آصف به باور مهاجر افغان، بعد از تربیهٔ چندین ساله توسط انگلیسها به وطن برگشتند، و بنام مصاحبین دربار امیر مقرر شدند... سردار محمد یوسف نقش پدر خود را بازی کرد و دختر خود راداخل دربار امیر حبیب الله سراج نمود، و همین دختر که مشهور بود به (ملکهٔ هندوستانی) امیر رابه عیاشی گرفتار کرد، و برادران دختر که نادر خان، شاه محمود خان و هاشم خان و شاه ولیخان بودند، نیز بیرون دربار و ارگ شاهی قدرت را در دست گرفتند. امیر در سال ۱۳۳۷ ق در کله گوش لغمان بدست همین مردم در حالت اغماء و یبهوشی بقتل رسید. (بقول بعضی از مورخین، نادر خان در قتل امیر نقش داشته بوده است.)

شاه امان الله نیز اشتباه پدر را تکرار کرد، و پس از پیروزی قبلاً تنظیم شدهٔ انگلیسها در جههٔ جنوب، اشتباهاً به نادر خان رتبهٔ فیلدمارشالی و مقام وزارت دفاع را بخشید و به عالیترین مقام دولتی تعیین نمود، و در نتیجه زمینهٔ زوال سلطنت خود را، خلاف پندزیر کانهٔ پدر کلان خود فراهم ساخت، و تاج و تخت را با خوشبینی تاریخی نسبت به خانوادهٔ مصاحبین، در یک قمار سیاسی باخت، و اینک در سدهٔ بیست و یکم باز ظاهر خان پس از سی سال بنام بابای قوم و فدراسیون قبایل درانی وارد معرکهٔ ساخته شد و تاریخ بار دیگر بگونهٔ دوران شاه امان الله با بیچ و مهره های تو تکرار گردید.»

ظاهر خان ملک و مال شاه امان الله را غصب کرد و دختر او هنده به امروز در کابل به دادگاه مراجعه کرده، خواهان جای داد پدری خود شده است. ظاهر خان و سردار ولی دامادش بنیاد فساد اداری و راز و بکار آمدن حکومت کززی گذاشتند، و جای داد امان الله خان و املاک دولتی را برای خود قبلا کردند، و همزمان بفروش رسانیدند، و بقول نبیل غمین مسکینبار، حدود بیست و یک صد ملیون دالرا هر دو نفر به بانکهای خارج انتقال دادند. این کار توسط دوبرادر انجام میشده که یکی آن رئیس دفتر ظاهر خان و دیگرش وکیل دعوی او بود.

بی مهری چه از طرف ظاهر خان و چه از طرف شورای ملی وقت افغانستان در مورد شاه امان الله که آدم و طغیبرست بود، علناً صورت گرفت، و جنازهٔ او را نگذاشتند در کابل بخاک سپرده شود. القاب مطظن که سزاور شاه امان الله بود، همه به نادر غدار متعلق ساخته شد و نام آن جلاد خون آشام را (ابلیحضرت شهید سعید) گذاشتند. در حالیکه او بهترین فرزندان وطن را کشت و شمالی را دویار چور و چپاول کرد. ظاهر خان در طول چهل سال سلطنت یک کارز برینبای انجام نداد و ملت یسواد، فقیر، گرسنه، برهنه و مریض را تحویل تاریخ داد، و در یک سازش مخفی خانوادگی قدرت راه داد و دخان و کذاشت، و خود راهی ایتالیا گردید و در شهر روم مسکن گزید. سی سال رابه عیش و نوش سپری نمود. ویرانیهای امروز افغانستان ناشی از غفلتهای سنگین این خانواده و سلالهٔ درانی و بار کزبی میباشد، که طی بیش از سه صدسال نتوانستند یک حکومت ملی به ارادهٔ ملت ستمدیده و زجر کشیدهٔ افغانستان به وجود یابند. (دنباله در صفحهٔ ششم)

الحاج امان الملك جلالة

دطالبانو لخواډر افغانستان دوباره قبضه کول

تاسی گرانو هیوادوالو ته پوره معلومه ده چه دافغانستان دو باللی ملت به قربانی اوسرخندنه همت اومقاومت، دشوروی اتحاد فوجونه د افغانستان خخه په وتلو مجبور شول،وادفغانستان حکومت دمجاهدینو لاس ته ورغی. کوم مجاهدین مهاجرین یادجهادیلیدران چه په پاکستان کی ددبری مودی دپاره پاتی شوی وو، هغوی دپاکستانیانو خو یونه خصلتونه یعنی دروغ ویل، غولول، دمال دولت دراوغونولو حرص، کنجوسی، غلاتگی، بی همتی، چاپلوسی اوچل ول په استادی طریقوژژده کری وو،اودوطن دوستی جذبات ملی اوبشردوستانه احساسات، همت، میلاټه، فداکاری وصدافت، همدردی او پیرزویی بی له زلو خخه بهر شوی وو. نوپر کابل باندی لکه دهمای د مرغانو(گرگشهای لاشخور) راوالوتل. هرچه چه بی لاسوته ورتلل هغه بی قبضه کول، چوراوتالان، خودسری، خامتمایی(خودخواهی) نفاق، خانه جنگی، وژل تنبول، بندیانول، برمه نیول(گروگانگیری) دپاتکونو جولول او دهری ناروا اوناچایزی لاری خخه جاتهه پیسی او جابداد پیدا کول وو. بی بازخواستی، بی ننگی، وحشت اوظلم دبیگناهانو عوامو په سرونو میخونه تک وهل، دبیگناهوزنانه وو وغولانخی غوچول، بیگانه شاریان په کنیرو توکی ژوندی سوزول چه ددغو نام نهادو مجاهد و کافرومسلمانانو دظلم اوبربریت خخه به شیطان هم دده کوله، خپل معراج ته ورسیدل . داستانداری کمنزوری جهادی حکومت چه فرمان اوکنترول بی د دلکشاله مانی خخه بهر نه چلیدو، نوپداسی بحرانی اوغم زیلو حالاتو کی یوه دله ایماندار وطنپال، حق پالونکی جوانان طالبان دیوبی نومه مجاهد(ملا(ملا عمر)په مشری پخپله منطقه کی ددی نارواو دختمولو دپاره په پوره همت ټینگ ایمان اوسرخندی میدان ته راووتل او هغو تول طاغوتیان، جابران فرعونیان چه دمجاهد دپاک نامه دلداتی بی ظالمانه وحشیانه نارواناجایزه کردار اداکول، راگیری او بی ولسی اوبندیوانان کلل، چه ددوی دا قهر مانانه اقدام دولس او عوامو دداد او تسلی سبب شو، او تول ولس بی ترشا و دریدل او تول قندهاری دالله اکبرپه نعره دظالمانو دپنجونه راخلاص اوآزاد کلل.

پدغه وخت کی چه دپاکستان دآی اس آی ایجنتیان اوتریبه شوی ملازمان چه له پخواخخه په افغانستان په فعالیت او وړانکاریو بوخت وو، اومجاهدینسو اوجهادی تنظیمونو دلیدلراو سره جوختی الیکی ساتلی وی، سمدستی بی ددی با همته ایماندارو طالبانوجوانانواختیار او اداره په لاس کی ونیوله اوپه جنگی بی په زرهاوپاکستانی پوزیان اوافسران دطالبانو په جامعه کی افغانستان ته راویستل، او دی ملی عدالتی اسلامی غورزنگ ته بی یونظامی سیاسی اوعوامی شکل ورکل اوپه دیره بیره بی دمو ترو دتیل اودزیلو دک دک تانکونه، ماشیندار کارتوس، راکت لپنجره، خوراک، لباس، دارودرملو،داکتراو، نرساتولوی بهیردافغانستان لوری ته اروخوزاوو.

هغه حوک چه دقتل اوپوهی خوانندان وو، هغوی پدی حیران شو چه دا دومره ولسی، تیل، کارتوس، ماشینداری، زغری دار تانکونه، غلی دانی، راکتونه دقندهارد کومی زیرمی خخه راوژی، اودا عسکری نظم اوانضباط، دارودرمل، داکتران، نرسان طالبانود کوم بابی ولی دز یارت خخه راویاسی؟

خومظلوم ملت چه دجنکسالارانو جابراو، ظالمانو طاغوتیانو اوباتک دارانو دظلم او جبر او زورزیاتی خخه پری ته راغلی وو، پدری دعا ووچه کوم سور کاپر دی راشی خوچه زموژددی کافرومسلمان نما اوظلم وتیری خخه خلاص کاندی. پدغه وجه هیچوک هم دطالبانو د لشکر مقابلی ته راپورته نشول، بلکه دملگرتیا اویوجای کیدو ژمنی هم ورسره وکلی.

لوستونکو ته به معلومه وی چه دطالبانو داسی پرله پسیربالیستوبوه چه جنوب شرقی ولایات په دقبضی دلداتی راوستل، اومخ په کابل راهی شول، نوزموژ دیواروبالی نومیالی مجاهدغازی احمدشاه مسعودهم چه دیواسلامی عدالتی حکومت هیله من وو، ددی اسلامی شریعت قایمونکو اوامنیت راوستونکو طالبانو هر کلی ته میدانشاره ترورغی اودهغوی دمشراتوسره بی کنل اومشوری و کلی اوخپل ملاتل بی ورته سرگند کل، اویره ته کابل ته راغی، اودکابل شاری بی له کوم مقاومت خخه طالبانو ته پریشود اویخپله دخپلو سر تیرونگیالیو مجاهدینو اوملگرو سره دپنجشیردی ته ولال، ازطالبانو په آسانی پر کابل قبضه ولگوله .

حوورزی پس چه طالبانو دافغانستان لرغونی هیواد دامارت اسلامی افغانستان په نامه اعلان کلل، نوغازی احمدشاه مسعود ویوهیدو چه د کاسی لاندی نیم کاسه شته او دا کومی لشکری چه دطالبانو په نامه او لباس اوگیره اوحیره افغانستان ته رانوتی، داتول دپاکستان غشلی تجربه کارافسران اویوزیان دی اوغوالی چه داسلام اوشریعت، عدالت او امنیت ترنامه لاندی افغانستان دپاکستان پرپنزه صوبه بدل کاندی، اودافغانستان اوپاکستان داسلامی فدریشن دجولیدو آوازی او دندوری مخ په خپرونلو کلی، اوتولوبه داویل چه اسلام سرحدلری! افغانستان دپاکستان سره په یواسلامی فدریش کی شاملول داسی معنی لری چه حوک یوه سپینه پاکه چینی دیو خچن ناپاکه سین سره گده کلی، یعنی د افغانستان شل ملیونه نفوس دپاکستان د ۱۵۰ ملیونه نفوس سره گد کاندی! نو نتیجه به بی چه وی؟ ختمیدل او ورکیدل !نوهم هغه ووچه زموژن ویالی نومیالی قهرمان غازی احمدشاه مسعود دننگ اوغیرت ملا وتله اودگران هیواد د بیا ژغونی په هدف بی جان جهادته چمتو کلل، ترهغه بی دطالبان سره دقره ووهل ترحوچه طالبانو په یوه شیطانی دسیسه هغه دشهادت مقام ته ورساوو. انالله وانا الیه راجعون . په افغانستان دطالبانو ترهگری وحشت اوبربریت مخ په زیاتیدو وو چه دغازی احمدشاه مسعوددشهادت خخه دوه ورزی وروسته بی پر امریکایو تیوربستی عمل اجرا کلل اودسپتمبر په یولسمه بی ۹۰۱۱ په نیویارک کی دوه بین المللی تجارتی مشهوربلدنگونه اودپنتاگون مانی ونلوی، تولونلی بی مقابل ته راپورته شوه، اوداکتوبر ۲۰۰۱ کال په غونده سره په افغانستان ته یرغل وکل، طالبان اوالقاعده بی تارپه تار کلل. خوفوسوس چه اوس بیاهغه دوحشت او بربریت توری ورزی پر افغانستان باره مخ په خپریدو شکاری، اوملت ته بی دا ویره پیدا کلی چه گوندی طالبان به دوباره په افغانستان قبضه ولگوی.

زموژن نامتولیکوال اودانشمند سیلونکی شاغی محمدطاها کوشان پدی حقله پخپل ارزشمند کتاب (آنجیه رامن ازقرآن آموختم) په ۶۷پانه کی داسی لیکلی دی: ترجمه: (کله چه دپاکستان ملیشه، القاعده او طالبانو وحشی تیوربستی لشکردافغانستان خخه ولال، جنگ اوقتنه پای ته ورسیده، مگردادی چه اوس بیاد اسلام اواسلامی جهاده په نامه میدان ته راوتلی، هرهغه کارچه داسلام دعالی ارزختنو مخالف او د نیوال بین المللی قانون پرضد وی، دجهادپه نامه سرته ورسوی، او د حق خخه سرغلو نه کوی، چه داتول غیراسلامی اودکفر نه هم بدتر کارونه دی.)

که جناب کرزی صاحب دامریکایانوسره دا کوم تلون چه د مشورتی لوی جرگی لخوا منل شوی، امضانکی، نودطالبانو دپیا راتلو اوپه هیواد دقبضه کولو اودوباره دوحشت اوبربریت او وهلو تکولو سرغوسولو، لاس پریکولو سلی به راژوندی شی. /

مهدی اخوان ثالث

به احمدشاملو

زمنستان

سلامت رانمی خواهند پاسخ گفت، سرها در گریبان است کسی سر برنیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را نگه جز پیش پا رادیده نوانند، که ره تاریک ولغزان است وگر دست محبت سوی کسی یازی به اکراه آوردست ازبغل بیرون، که سرما سخت سوزان است نفس، کز گرمگاه سینه می آیدبرون، ابری شود تاریک چو دیوار ایستد دربی چشمانت نفس کاین است، پس دیگرچه داری چشم زچشم دوستان دور یا نزدیک؟

مسیحای جوانمرد من! ای ترسای پیر پیرهن چرکین

هوا بس ناجوانمردانه سرد است ... آی...

دمت گرم و سرت خوش باد

سلام را تو پاسخ گوی، در بگشای

منم من، میهمان هرشب،ت لولی وش مغموم

منم من، سنگ تپیا خوردۀ تجور

منم، دشنام پس آفرینش، نغمۀ ناجور

نه از روم، نه از زنگم، همان بیرنگ بیرنگم

بیا بگشای در، بگشای، دلنتگم

حریفا ! میزانا !

مهمان سال وماهت پشت در چون موج می لرزد

تگرگی نیست، مرگی نیست،

صدایی گرشنیدی، صحبت سرما و دندان است

من امشب آمدستم وام بگذارم، حسابت را کنار جام بگذارم

چه می گویی که بیگه شد، سحر شد، بامداد آمد؟

فریبت می دهد، بر آسمان این سرخی بعد از سحر که نیست

حریفا ! گوش سرما برده است این، یادگار سیلی سردزمستان است

وقندیل سپهر تنگ میدان، مرده یا زنده

به تابوت سبتیرظلمت نه توی مرگ اندود، پنهان است

حریفا ! رو چراغ باده را بفروز، شب با روز یکسان است

سلامت را نخواهند پاسخ گفت

هوا دلگیر، در ها بسته، سر ها در گریبان، دست ها پنهان

نفس ها ابر، دل هاخسته و غمگین

درختان اسکلت های بلور آجین

زمین دلمرده ، سقف آسمان کوتاه

غبار آلوده مهر و ماه ، زمستان است. /

یاد آوری: طی دو هفتهٔ اخیر درسراسر شرق ایالات متحده و، از جمله ورجینیا و حومهٔ واشنگتن دی سی، سرما و سردی پیداد کرد، برف پاغنده پاغنده بارید و، کوچه پسکوچه ها، جاده ها و بزرگراهها رایست، دو سه ایالت برای بیش از دو هفته از نعمت برق و گرما محروم ماندند، مکاتب ودانشگاهها ودانسترسراها، ادارات دولتی و بانکها و، از جمله چاپخانهٔ که (هفته نامهٔ امید) راچاپ میکند، بیش از پنج روز از کاربازماندند. درنتیجه این شمارهٔ امید بایک هفته تأخیر به دست شمارسید. بدین سبب معذرت اداره حتما پذیرفته میشود.

درچنین حالت، یارچه شعرشادروان مهدی اخوان ثالث خطاب به شادروان احمدشاملو(ی به گفتهٔ خودش کابلی بچه) بسیاربجابه نشر رسیده، زیرا همسایه های مهربان هم درچنان هوای سرد، جواب سلام همدیگر رانمی دادند و، دست درازشده برای قول دادن را باکراه به دست میگرفتند، از بس هوا سرد بود، یعنی هوا بس ناجوانمردانه سرد بود ! /

سیدامیرالدین
فرانکفورت ـ آلمان

دربارهٔ تخلف تلویزیون ژوندون

مقاله هاومطالبی رادربارهٔ اظهارات گستاخانه وی ادبانهٔ تلویزیون ژوندون در حق اقوام افغانستان در هفته نامهٔ امید مطالعه کردم، اماذکر یک مطلب بسیار عمده فراموش شده و آن نقش وزارت اطلاعات وفرهنگ، شخص وزیر اطلاعات و فرهنگ و کمسیون بررسی شکایات و تخلف های رسانه بی درقبال واقعه بود. چون من در آنروزهادر کابل بودم و، جریانات وانعکاسات راز طریق تلویزیونها و، نیز نظریات دوستان می شنیدم، خواستم برین موضوع کمی روشنی بیندازم . کمسیون بررسی شکایات و تخلفهای رسانه بی به ریاست وزیراطلاعات و فرهنگ، داکتر سیدمخلدوم رهین درظرف حدوددهسال، از یکطرف به بررسی و رفع شکایات پرداخته و، ازجانبی کوشیده تاز آزادی بیان، حقوق خیرنگاران و رسالت اطلاع رسانی حمایت کند. بهمین جهت درین مدت طولانی حتی یک فرستندهٔ رادیوی و شبکهٔ تلویزیونی ازجانب این کمسیون مسدودنشده و، یا به حالت تعلیق درنیامده است. وزیراطلاعات وفرهنگ واعضای کمسیون همواره کوشیده اند که اختلافها ازراه تفاهم حل شود و، بایک معذرت خواهی ساده و، یا تشرد بدگاه ودفاعیهٔ شخص یاموسسهٔ شاکی در همان رسانه مشکل حل ونزاع برطرف شود. درمواردیکه شکایت حادبوده و، هر دوجنب یعنی افرادشاکی و رسانه هر دو لجاجت کرده اند، راه آشتی و گذشت مسدودبوده و، ازطرف شاکی بااصراردنباله گیری قضیه ازطریق مراجع عدلی تقاضاشده، کمسیون ناچار موضوع رایبه سارنوالی محول کرده. پس ازچندروزی، وقتی رسانه متوجه شده که ادامهٔ این حالت به سودآن نیست، دوباره به شخص وزیرمراجعه کرده و اشتباه و تخلف خودراپذیرفته و، ازفرد یاموسسهٔ شاکی معذرت خواسته، وزیر اطلاعات وفرهنگ دوباره کنبا آزاداستانی خواسته که چون مسئول رسانه به اشتباه خودیی برده وتعهد کرده که درآینده چنین تخلفی ازوی سرزنند و، از جانبی هدف کمسیون، اصلاح و بهبودرسانه هاست نه کینه توزی ومجازات، در چنین حالتی شخص یاموسسهٔ شاکی نیز شکایت خودربه آسانی واپس میگردد و ، دادستانی هم قضیه رادنبال نکرده، خاتمه یافته تلقی می کند.

این شیوهٔ پالیسی سبب شده که ازیکسو رسانه هابوسی بهبودبروند، اصلاح شوند ویشتربیاమوزند و، ازجانبی تعلیق ویانسدادآنهاصورت نگیرد. درقضیهٔ تلویزیون ژوندون پس ازشرططالبی که سخت تفرقه انگیزبود و، درحالیکه چنین انتشارات میتواند آتش جنگهای داخلی رااروش کند، درتعدادزیادی از مردم خشم وهیجان آفرید ودربرابر عمارت شورای ملی مظاهره راه افتادو سرو صدای اعتراض ازهرسو بلندشد. وزیر اطلاعات وفرهنگ واعضای کمسیون به خاطر فرونشاندن موج هیجانات، به سارنوالی پیشنهاد کردند تانتشارات تلویزیون ژوندون ونشرروزنامهٔ بنام(انصاف)را که درآن به تصویب لویه جرگهٔ مشورتی مبنی بر تاییدامضای موافقتنامهٔ سترائزیک بامریکا، اعتراض بی ادبانه شده و، در بارهٔ اعضای جرگه گفته شده بود: که مثل سگ پیش امریکاییها(ص ششم)

فرستنده : اسد روستا، کالیفورنیا

دا کتر غلام محمد دستگیر

برومفیلد ـ کولورادو

خطاب به خطاب



برای هفته نامهٔ امید چندین مقاله نوشته ام که میخواستم یکی بعد دیگر به مطالعهٔ خوانندگان گراقتدرهفته نامهٔ وزین امید برسانم. اماهفتهٔ گذشته به اصطلاح کابلیان (قضافلکی) به پروگرام تلویزیون پیام افغان که مالک ومنتصدی آن آقای محمد عمر خطاب است، بر خوردم. خطاب صاحب با آواز خطابی وگفتارسلیس و روان ویگان زشت گویهای واضح و یا پس پرده وزیر لب نرمک نرمک جواب سخت به آنهائی که به مذاق شان برابرسخن نمی گویند.

متوجه شدم. وی درین گفتار خود دا کتر اشرف غنی کاندید ریاست جمهوری ودا کتر عبدالله کاندبد ریاست جمهوری افغانستان را هدف قرارداده انتقادات شانرایان کردند که در مقابل اشرف غنی صاحب انتقادات روزمرهٔ سر زبانها ودربارهٔ دا کتر عبدالله از انتقاد گذشته به مراتب به زبان تاب خوردۀ دردهن خودتوهینهاسر دادند. به محترم دا کتر عبدالله، مجاهد، سابق وزیرخارجۀ افغانستان ورئیس یک حزب اپوزیسیون مقتدر؛ خطاب(وطنفروش) خطاب کرد. در مرحلهٔ اول که شنیدم فکر کردم که از آن زبان تاب خورده بخطا رفته، اما وقتی که به تکرار این کلمه از زبان خطاب صاحب شنیدم دفعتاً فکر کردم که این آن خطایی نیست که تفسیر قرآن پاک را بفارسی و پشتو به سمع مسلمانان جهان می رساند و داد ازمسلمانی و پیرو قرآن و سنت نبوی میزند زیرا که قرآن مبارک ا به قولو للناس حسناً هدایت میفرماید و حضرت سیدنا محمد(ص) میفرماید۲ که مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او ایمن باشند که مولانا

عبدالرحمن جامی۳ آن را چنین به نظم در آورده است:

مسلم آن بود به قول رسول

گرچه عامی بود و گر عالم

که به هر جا بود مسلمانی

تاجاییکه از لایلی کتب موثق و مستند ۴ برمی آید، رهبر گروه مجاهدینی

که دا کترعبدالله مربوط آن بود، یعنی آمرصاحب شهید مسعود(رح) درپاسخ به معاون وزیرخارجۀ امریکا گفته بودند که اگر به اندازهٔ این کلاه (بکول) هم ازخاک مایباند، تاآخرین رقم به مقابل حملات پاکستانها وطالبایشان بدفاع خواهیم پرداخت. اینکه وطن فروشی نیست، بلکه وطندوستی برملا است که با دادن جاههای شیرین وریش خون خود ثابت ساخته اند. شاغلی خطاب پس چنین پیداست که شمابرای نفع کاندیدهای طرف نظرعالیجناب تان و تولید وسوسه وتسم افکارافغانهای خوشامروما به این دا کتروطندوست وقابل احترام که هم مسلک من است، اتهام نموده دروغ بسته اید؛ که بازبرمیگردم بگفتارپیر معنا والای سیدنامحمد(ص) که فرموده اند: «برشما راستی لازم است، زیرا راستی بسوی نیکوئی و نیکوئی بسوی بهشت رهنمائی میکند. «شمارا ازدروغ برحذرمدیادم زیرا که دروغ بسوی شرو شر بسوی دوزخ رانمائی میکند. هم چنین لازم میدانم که این آیت متبر که که خداوند فرموده: «دردلهایشان یک نوع بیماریست، پس افزوده ایشان الله بیماری راوایشان راست عذاب دردناک به سبب آنکه دروغ میگفتند » (تفسیر کابلی)، بخاطر مبارک تان تازه سازم .

خطاب صاحب نظر به احترامی که بشما وبه مفاکوره و گفتار تان دارم میخواهم جنت جایتان باشد نه دوزخ؛ وهمچنین درجریان گفتار دو ساعتهٔ تان ازظلم و تعصب وقتل عام و انتحاریون طالبان که بعضی شان جزغلام غلامان پاکستانی ارزشی دیگرنداشته وجنگهای پرو کسی یا نیابتی انگریزها را ازطریق پاکستان برزن ومرد وپیر و جوان معصوم وبیگناه ما روا میدارند، چیزی بزبان نیاوردید، مجبورشدم تامقاله های نمبر ۳ را با اجزاء سه گانهٔ آن قبل ازمقالات دیگر حضورخوانندگان گرامی تقدیم کنم، تاخودفیصله نمایند که وظفروش حقیقی وخائنین اصلی این سرزمین ماتم زده کیست؟ چون این مقالات از ترتیب پلان شده برآمده اند، بدین ملحوظ نمبرماخذ هم ازجائی تقدیم میگردد که تفکیک وقوع برخی ازحوادث رادر دورهٔ طالبان زیرعنوان ذیل بصورت کروئولوژیک ۴۴ تشریح میکند.

مقالهٔ نمبر ۳: ملاعمر، طالبان و اعمال ظالمانهٔ شان ۴۴؛دراواخرریاست جمهوریپروقیسرصیغت الله مجددی ازبنیان آمدن یک گروه یطرف درمقامات پاکستان و ISI؛انماذکرات شروع شد. پلان شان به عربستان سعودی، امریکاو شعبات استخباراتی شان ارائه گردید. پلان پذیرفته شدو CIAپاکستان ۵۴ در خلقت گروهی بنام طالبان ۵۵ وحمایت پولی عربستان سعودی آستین برزد. ازجانب دیگر ۲۳سال زحمات ISI که حکمتیالیچه خونآلغخود را براریکۀ قدرت کابل غرس نمایند، به ناکامی منتج شد۵۷؛ لذا برای جانشین وی ملاعمررا که برای مدت کمی قوماندان یکی ازگروپهای کوچک مقاومت بمقابل قوای متهاجم روسهدارسالهای ۱۹۸۰بود به حیث لیدرطالبان برگزیدند. ملاعمردر پیشرفتهای عملیاتی ونظامی ۱۹۹۴–۱۹۹۶ کدام رولی بحیث حکمفرمانداشت (زیرا که عملیاتهای جنگی توسط اردوی پاکستان سوق واداره میشد). چشم راست ملاعمردروقت مقاومت توسط شرتل صدمه دیده بینائی خود را از دست داد. فکر میشود که ملاعمر دختر کلان اسامه بن لادن را،بنکاح خوددر آورده ودخترش رااسامه بحیث زن چهارم خود به زنی گرفته است۵۶.

درسال ۱۹۹۴: بروز ۱۱۳کتوبرشاکردان مدارس اسلامی ۴۴ زیرنام طالبان شهر سردلی سپین بولدک را که تحت کنترل طرفداران حکمتیاربود، اشغال کردند– تعداداین گروپ جدیدالورود درمیدان کارزار ۱۵۰۰نفر تخمین شده و بسوی هیرمندوهرات به پیشروی خودادامه دادند.روز ۳۰کتوبردراثربرخوردی که بین طالبان و قوماندانهای حزب اسلامی گلبدین بنام سرکاتب و حزب اتحاد عبدالامین و حزب مجاذمین لالی رخ داد،طالبان قوماندان لالی راازشاهولیکوت راندند وجادهٔ سپین بولدک الی قندهار را بروی ترافیک (پاکستانها) بازکردند. ۲۱تومیرطالبان قندهاررابدست آورده جانب ولایات هیرمندوزابل به پیشروی خودادامه دادند، تعدادعمومی طالبان درین مرحله ۲۰۰۰نفر تخمین شده و شخصی بنام ملاعمر آتھارارهبری میکند. ۳۰تومیر لشکرگاه مرکز ولایت هیرمند را تصرف کردند.

درسال ۱۹۹۵: ۲۴جنوری ۴۵طالبان به شهرغزنی رسیده توسط قوای حکومتی رئیس جمهوری ربانی تقویه شدندنویاری باراول باقوای گلبدین برخورد میکنند.تاپایان جنوری طالبان کنترل ولایات پکتیا وپکتیکارابدست آورده خطرمنسقیم رابصوب حزب اسلامی گلبدین در ولایت لوگرو مقر وی در چهار آسیاب متوجه ساختند.

۱۰اِفروری طالبان میدانشهررا که بتصرف گلبدین بودبدست آوردند که توسط قوای حکومت استادربانی تقویه میشدندو تااین تاریخ غولایت راشغال کردند، یک روز بعد لوگر به تصرف طالبان درآمد (دنباله درصفحهٔ هفتم)

شاه خانم مسیحی افغانستان (دنباله از صفحهٔ سوم)
یکی ازنگرانی های خیلی جدی و پراز خطر خانوادهٔ اشرف غنی وزیرمالیۀ پیشین، آنست که وی برای زنده ماندن در تقلا و مجادله میباشد. رولا، همسر دا کترغنی گفت:«هن فکر میکنم اونمیدانده تاجه وقت زنده بوده میتواند، و باید هرچه زودتر آترامعلوم کند.»غنی ازصحت کامل برخوردارنیست، قسمتی از معدۀ خودراچندسال پیش درمریضی سرطان ازدست داده، سیستم مقاومت بدنی اودر حالت ناتوانی قراردارد. ندرتآمیبتواند یش ازچهارساعت شبانه بخوابد. دا کتراحمدزی اکثرباخانمش بخاطر نپایش و عبادت به کلیسای محل حاضر میشود. خانم رولا گفت شوهرش یک شخص بسیار مذهبی معلوم نمیشود، ولی خودرایشتر یک مسیحی می پندارد تا یک مسلمان که از خانوادهٔ مسلمان به یک خانوادهٔ عیسوی مسکن گرین شده است.

دا کتراحمدزی فکر میکند کاری را که پیش گرفته، ارزش آنرا دارد تا باج صحت خودرا بپردازد. باوجودداشتن سرطان معده، عدم توجه کمک کنندگان بین المللی واعضای کابینه، تلاش مینمایدباقتصاد غارت شدۀ افغانستان رانجات داد. اگروی در کار خود توفیق نیابد، جهان باید قیمت گزاف بپردازد.

اشرف غنی رامرگ تعقیب میکند. او که یک شخص نحیف ۵۵ ساله است، همیشه بادانه های تسبیح خودمشغول میباشد. وزیرسابق مالیۀ افغانستان روزانه سه بارغذایمخوردتابدن سرطان زدۀ خودرابصورت دوامدار تغذیه بلدارد. او هنگام خوردن ناشتای صبحانه که مقداری برنج و کبله بود،درحالیکه آشپزش مصروف آماده سازی غذای دیگر بود، بیان داشت: تنها دو درصدمعده ام باقی مانده است ! چهارپاسان مسلح با کلاشکوف، احاطۀ ویلای وی رادرمنطقۀ وزیر اکبر خان، که محل زندگی نجیگان شهر میباشد، زیر نظر داشتند. منطقۀ وزیراکبرخان با ایجاد موانع سنگرنبدی شده، تاذر برابر حملات مو ترهای پراز مواد انفجاری محافظت شود. همچنان طیاره های هلیکوپتر تو پیدار ناتو بدون وقفه ساحه رازیر نظر دارند. ندرتاً یک هفته بدون آنکه حداقل یکتفر مامور ارشددولتی به قتل رسد، سپری میشود. دا کترغنی که بریضی اش تاحدی زیر کنترل است، باآه کشیدن گفت: این وظیفه یکی ازبدترین وظایف در روی زمین می باشد /

معرفی کتابهای تازه
(دنباله از صفحهٔ چهارم)
اش مطالعه خواهید کرد.

شخصیت دیگر ادیب، زانثناس، مترجم درامه های پرتابه از مطبوعات دراماتیسهای فرانسه، ودپلمات ورزیدهٔ که توانست بحیث سفیر ونمانندۀ دایمی افغانستان درسازمان ملل متحد، بعداز بزواک فقید بدرخشد، ودرین راستاخصتا در مقاومت برضد تلاش نافرجام طالبان جهت احراز کرسی نمایندگی این گروه تاریک اندیش و افراطی و قهقرایی، درملل متحد شهرت ملی وجهانی کسب نمود، همانا دوست وهم صنفی عزیزم دا کتر عبدالغفورروان فرهادی می باشد که بیوگرافی مفصل اورادر صفحهٔ ۱۷۷ کتاب بانو دارومطالعه خواهید کرد.

بهر حال، علاوه بر چندبیوگرافی مفصلی که بطور گلچین ونمونه در دویخش معرفی کتاب پرمحتوای ماریا دارو بشما تاذ کردام، حدود بیش از یکصد بیوگرافی و کارنامه های هنرمندان، نویسندگان، دراماتیسها وممثلین تیاترو فلم سازان و ریژیسوران نیز بافی تو هایشان برشتهٔ تحریر آمده است. اینک بانظر داشت صفحات ارزشمندو محدود جریدهٔ وزین امید، تنها اسمای چندشخص آثارها که خاصتا دررشتهٔ درام و تیاتر دستاوردی داشته اند و، بنده باآنها شناسایی داشته ام، به شما یادآور می شوم :

استاد عبدالغفور برشنا، عبدالشیدجلیا وحمدجلیا، استاد عبدالشید لطیفی برندۀ نخستین جایزۀ درامه نویسی (متخصص سالون) و تولید کننده وسناریو نویس اولین فلم فارسی درافغانستان، عبدالتواب لطیفی برندۀ جایزۀ درامه نویسی از یونیورستی کالیفورنیا، لاس اتجلس UCLA، محمولوی لطیفی سناریو نویس و هیروی فلم(روزهای دشوار)، استاد عبدالرؤف پینوا، فیض محمدخیرزاده، استادصلاح الدین سلجوقی، استاددا کتر عنایت الله شهرانی، محمدعثمان صدقی، محمدعلی رونق، احمدشاه علم، محمدشعیب رهگنار، اعظم رهنورد زر یاب، سایر هراتی، ضیاقارزاده، محمدناصر غرغشت، دا کتر محمد اکرم عثمان، دا کتر محمد نعیم فرحان، حاجی محمد کامران، عبدالنمان ملگری، دا کتر محمدرفیق چیمایی، زیلیخانورانی، استادعبدالقیوم بسید، محمداکرم تقاش، محمدابراهیم نسیم، اسدالله آرام، محمد صدیق بر مک، عبیدالله بکاش، عبدالرحمن بینا، سونارام تلوار، ستار جفایی، خاتم رو یاسادات، عبدالله شادان، استاد رفیق صادق، مهدی ظفر، فضل محمدفضل، محمد یوسف کهزاد، مشعل هنر یار، عبداللطیف نشاط، محمداکبر نادم، امین الله ندا، جلال نورانی، استاد عبدالحق واله، حبیبه عسکر، مرتضی بايقرا، عزیزالله هدف، سعد ورکزی، ظاهر هویدا، بیرک وسام محمدحسین ارمان و بسی هنرمندان ودرامه نویسان وممثلین وفلم سازان وموسیقی دانان دیگر، که در کتاب بی سابقه وبرمحتوا وبرپهای نویسندهٔ پژوهشگر بانو ماریا دارو با تفصیل وذکردستاوردهای هنری وفرهنگی شان شناسایی شده اند.

معرفی مختصر یک کتاب ارزشمندوبرمطلب را باآزروی صحت وسعدت ماریا دارو، بااین چندبیت شادروان استادعبدالرحمان بزواک خانته می دهم :
یادایمی که ماهم آسمانی داشتیم
مهر و ماهی داشتیم واخترانی داشتیم
خاطر از اندیشهٔ آوارگی آزاد بود
رشک مینو، مهبن مینو نشانی داشتیم
سوی مصرعش باهر تحفه از کنعان دل
جای قاصد، یوسفی در کاروانی داشتیم

دربارهٔ تخلف تلویزیون ژوندون
(دنباله از صفحهٔ پنجم)

دم جنبانندنوصدای تاییدایشانرا ازامضای موافقتنامه، به واق واق سگ تشبیه کرده بودبه تعلیق درآیند. گفتنی است که این مورد دوم در کمسیون شکایات مجلس سنایا مشرانو جرگه باحضور وزیر اطلاعات وفرهنگ مطرح شده و، یک سناتور اولعلمای وطنخواه هزاره، مسدودشدن این روزنامه رازوزیر اطلاعات و فرهنگ خواسته بود. در کابل دربارهٔ ارتباط تلویزیون ژوندون به حلقه هایی در همسایۀ شرقی و، وابستگی این روزنامه به افراطیون همسایۀ غربی، حدس و گمانهای بسیاری زده میشود. دادستانی پیشنهاد کمسیون بررسی شکایات و تخلف های رسانه بی را مورد تایید قرارداد. درین حال این در توان وصلاحت وزارت اطلاعات وفرهنگ بود که پیشنهاد کمسیون وتاییدسارنوالی رافورابه مرحله اجرا بگذارد. دکمۀ روشن وخاموش کردن همه تلویزیونها بدست وزارت اطلاعات وفرهنگ است. اموزیر اطلاعات وفرهنگ این کاررا نکرد ودر عوض، پیشنهاد کمسیون وتاییدادستانی را کتباً به تلویزیون ژوندون ابلاغ نمود. هدف آن بود که مثل بسیاری از موارد قبلی، شخص مسئول متولوزیون به کمسیون مراجعه کرده مذبذرت بخواند و، یاصورتی آن تخلف آشکار راتوجیه نمایدو، قضیه بدون به تعلیق در آمدن آن تلویزیون خاتمه یابد. اما تلویزیون ژوندون از این فرصت سوءاستفاده کرده، به تحریکات پرداخت جمعی رادر برابر عمارت قضا به مظاهر آورد که شعارهای مرگ بروزیر اطلاعات وفرهنگ سردرداندو، تصاویر دا کتر رهین را پاره و زیر پا کردند و، این صحنه رایهم در تلویزیون به نمایش گذاشتند.
(دنباله در صفحهٔ هفتم)

یادی از گذشته های فاکولته هنر های زیبا
(دنباله از صفحهٔ پنجم)
و کتابهای زیاد دربارهٔ هنر درافغانستان نوشته وبه چاپ رسانیدم ، همچنان اتحادیۀ بزرگ راینام(اتحادیۀ سراسری هنرمندان افغانستان) تاسیس نمودم، واولین رئیس انتخابی آن تعیین شدم ودر بیست ونه مملکت جهان نمایندگی داشتیم ، بدبختانه یکی از استادان سابقه دار فاکولته هنر های زیبا در تخریبات اتحادیۀ هنرمندان دست درازی میکرد. بسیار امیدوار بودم استادان سابقۀ هنر های زیبا چون امان الله حیدرزاد، حامد نوید، تمیم اعتمادی، دا کتر نعیم فرحان و دیگران آثار گرانسنگ چون مقالات، رسالت و کتابها دربارهٔ هنر در افغانستان بیاد گار بگذارند، اما متأسفانه ننوشتند وپچاپ نرسانیدند .

محترم دا کتر نعیم فرحان یک اثر بسیار کوچک بنام(کمپدی زنان عصبی) که سالها پیش ترجمه کرده بود ، در جرمنی پچاپ رسانید. خوشبختانه درین اواخر جناب آقای نوید اثرزیبای دربارهٔ تاریخ هنر بزبان انگلیسی نوشتند، ایکاش این اثر را اولافارسی، بعدا به انگلیسی تحریر میکردند، استادان هنر های زیبا شاید نتوانند از آن مستفید شوند .

جناب آقای مرتضی جان پردیس، که زحمات زیاد در انکشاف و تقویۀ هنر درافغانستان میکشد، کتابی نفیس رابزبان انگلیسی تهیه داشته وجون شکل البوم را دارد ، بناء استفاده از آن مشکلی ندارد .

یک کتاب بسیار ارزنده ومهم دربارهٔ تیاتر در افغانستان توسط محترمه ماریاجان دارو تحریر و تکمیل شده است که اینجانب ویراستار در آن کتاب بوده ومقدمه ها نوشتم واز آغاز تا انجام آنرا مطالعه نمودم امید است بزودی در کابل به طبع برسد.

عزیزان، ارجمندان وفرزندان معنوی این خدمتگار هنر درافغانستان شمامحمد اکبرجان سلام ، سید فاروق جان فریاد ، محمد عالم جان فرهاد، مهتاب الدین جان زبردست، محمد جان پاونده، شیر زمان جان، اشرف جان اتحورگر، نجیب جان عثمانی، عبدالواسع جان رهرو عمر زاد، حسین زادهٔ والاگهرو دیگران شما میدانید که فرزندان معنوی کی ها هستید، پدران تان معابد آسه ماهی، ودهها هیاکل در کابل ، منارچکری ، سازندهٔ هده ، معابد آی خانم فندوقستان ، آثار طلا تیه ، هیکلهای با عظمت بامیان ، لشکر گاه ، اشترگرام وغیره را بادستهای معجزه آسای شان تهیه داشته اند ، شما فرزندان نابغه های چون کمال الدین بهزاد، میر علی هروی، میرزاباسقصر ، استاد میرزابیعقوب کابلی ، استادعظیم ابکم ، استاد میر حسام الدین نقاش ، استادمحمد رضا سهیل خراسانی، پروفسر غلام محمد مینگی استادصلاح الدین سلجوقی، استاد عبدالشید لطیفی ، استاد عبدالغفور برشنا ، استاد غلام حسین ، استاد قاسم افغانستان ودیگران می باشید که بگونهٔ فرزندان معنوی شان استعداد آنها را بمراث برده اید .

برشماست که درزندگی خود تمام صفات عالی هنرمندان واقعی را داشته باشید ، باهمدیگر دست برادری داده در فعالیتهاشریک شوید، به هیچکس از طریق رفاقت، دوستی خویشی وار تباطات شخصی لقبهاولک پخشیمانمائید، زیرا که شماوران اصلی هنر درافغانستان میباشید . به هرکسیکه تالاری را بنامش مسمی می کنید ، یا لقب میدهید ویا ترفیع علمی میدهید، متوجه باشید که از روی معیار واستندرد و سنجش برای شان تقویض بفرمائید. راه شما ، راه هنرمندی میباشد و هنرمندی راه صداقت وحقیقت است .

حالا که علی العجاله برای عنایت الله شهرانی، نعیم فرحان، حامد نوید وامان الله حیدرزاد لقب هاو یا تالارها را به نام شان تقویض نموده اند، خداوند همه را خیر و برکت دهد که یادی از پیران سالخوردهٔ شان را می نمایند امیدواریم که این اعمال نیک وقدر دانی آن گرامیان از روی یک معیار ویرنامه ریزی باشد، زیرا زمانی که یک نفر از خارج منجیث پروفیسر مهمان یا یک شخصیت فرهنگی وسیاسی به فاکولتهٔ هنر های زیبا می آید، و می بیند که نام یکی از ما چهار نفر به خط درشت نوشته شده و یا عکس ما در سردیوار پدیدار است، خواهد پرسید که این شخص کی است و چه کرده است ، طبعاً جوانی بسیار قانع کننده را باید ارائه کرد .

نام فاکولتهٔ هنر های زیبارا ویا شعبه های هنری را ، اگر بنام کسی می سازند ، ممانعتی نیست ولی در صورتی است که آن شخص باید نابغه باشد، مثلاً بنام حضرت بهزاد اگر داده شود ، بخاطری مناسب میافتند، یک اثر بهزاد دست کم پنجاه تا صد ملیون دالر قیمت دارد ، و او صاحب سبک است ورسانس را در شرق بیار آورد ، اگر بنام میرعلی هروی شود ، او نابغهٔ بی همتا بود که خط نستعلیق را به اوج آسمان ها رسانید ، بهترین نامیکه در آن سؤال بروز نمی نماید، کلمۀ زیبای (هنر های زیبا) میباشد واینان نام تاقیام قیامت بسنده و پاینده باید باشد.

دوستان وعزیزان نهایت گرمای ام، دست اندر کاران فاکولتهٔ هنر های زیبا، امیدوارم فاکولتهٔ هنر های زیبا که منجیث مهمترین دستگاه هنری درافغانستان میباشد ، هر آن لک پختی هائیکه صورت می یابد ازروی استندردو معیار یابد صورت بگیرد، تاعامل آنها در نزد خداوند، خلق و وجدان خود رستگار شوند .

خدایا تو آن کن که پایان کار تو خوشود باشی ومارستگار یادداشت واستدراک ؛ نگارنده این سطور رساله کوچکی را بنام(خاطرات من از تاسیس فاکولته هنرهای زیبا) سالهای پیش تحریر نموده بودم ، من فکر میکردم که هر شخصیت محترم به موقف و کارهای خود قانع میباشد ، ولی دیده شد که دوستان محترم با کار کم مزد یادمیخواهندو حقوق کسانیکه مرحوم شده اند وباما نیستند نام های مبارک شانرا از میان میبرند، وبدان سبب اینک تاحد توان، همه حقایق رایه حد قدرت بندی با صداقت تمام در قید تحریر آوردم، مسئول وجوابده گفته ها ونوشته های خود میباشم . ومن الله التوفیق /

توضیح ضروری : در بخش نخست مقال بالا، مدت تدریس آقای حامدنوید در فاکولتهٔ هنر های زیبا یکسال درج شده بود، اما قراقر گفتهٔ خود آقای نوید، ایشان چهارسال در رشتهٔ نقاشی تدریس کرده بود .

هشدار به رئیس جمهور آینده
(دنباله از صفحهٔ چهارم)
(چنانکه تجربه کرده ایم)، آنگاه احوال ریاست جمهوری شما به کجاقواهد کشید؟ گیرم که درعرصۀ انتخابات(اگر شفاف وخالی از تقلب صورت پذیر شود) موفق شویید، در میدانهای مابعد، اینان خواهند کوشید شمارا بختاک افکنند. احوال روحی شما مهمترین جزء احوال شخصی شماست، خدانکنده که شما هم بهمان بیماری روحی مبتلا شویید، که در خواب ببینید که معاهدهٔ گندمک را امضا کرده اید !

شما بگو یید نگارندهٔ این مقاله به آیندهٔ کشور بدین است، اما چنین نیست. اگر شما صادق هستید، توکل خود را به او تعالی کنیدو، از اتفاق با این گروه های دیو صف کناره گیر باشید و، اگر بشود ایشان را با اسناد به پنجهٔ قانون بسپارید و محاکمۀ ایشان راسرعت بخشید. آنگاه نود درصد افراد ملت خاصه جوانان باشما متحد خواهند بود.

میتوانستم بسیار نویسم ستون وصفحۀ این جریده و، ساعات رادیوو تلویزیونها هارادر بر گیرد، اما به همین چندصفحه کفایت کردم، زیرا (اگر در خانه کس است، یک حرف بس است)!/

منشأ فساد ووطنفروشی در افغانستان
(دنباله از صفحهٔ پنجم)

آنها در جنگهای ذات ایبنی دماراز روزگار ملت کشیدند، وبه اصطلاح (آب را خت کردند وماهی گرفتند)!

ملت باشرف افغانستان امروز زیرسم ستوران ۴۶ کشور جهان نعره می کشد و هر روز دههاتن کشته میدهند، ولی فریادرسی ندارد. طالبان پشتون تبار در خدمت بیگانه قرار گرفته، مسؤلیت اینهمه کشتار و ویرانی رابعهده میگیرند، ولی امریکا که بخاطر محو تروریسم به منطقه آمده، چنانچه لازم است، بحال ملت افغانستان توجه ندارد. حالا که قصد دارد در اخیر امسال افغانستان راترک بگوید، تروریسم در پاکستان دست نخورده مانده واین فریبکار تاریخ(امریکا) برعکس، توجهٔ بیشتر خود را به پاکستان معطوف داشته تا به افغانستان. کشور ما امروز در لست عقب مانده ترین کشورها قرار دارد، ودر تولید مواد مخدر در جهان اول نمره است.

مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری سال پاردر اجلاس والیان در کابل، پیشنهاد کرد که آقای کرزی بهتر است طی یکسال که از وظیفه اش باقیمانده، به منظور حکومتاری خوب، نظام پارلمانی صدارتی رایجای نظام فعلی که کلاذ کاتوری است، جایگزین سازد، که به مذاق فاشیستهای تمامیت خواه خوش نخوردو آنها در صدد تخریب فهیم وهوادارش برآمدند. درحالیکه نظامهای فدرالی و صدارتی در جهان نتایج مثبت بار آورده، وباعث وحدت ملی وار تقاء سطح زندگی مردم شده اند، ولی فاشیستهای ما از آینده هراس دارند و بالای نظام فعلی تا کیدمیورزند. فکر میکنند افغانستان کدام شیء اتیک باقالیبتجه است و کسی آنرا میفروشد وبه خارج انتقال میدهد!

اوضاع امنیتی کشور بدست آی اس آی پاکستان بدتر از گذشته شده ومردم رادریک واهمه قرارداده است. امیداست حکومت فعلی با تدبیر واز خود گذری در این مرحلهٔ حساس وخطرناک، از این بن بست با کامیابی عبور نماید، ودستاورد های یازده ساله بدست دشمنان مردم ما خاک ودود نگردد.

حوصلۀ ملت به تنگ آمده، مردم آرامی، دموکراسی ومسوات و عدالت اجتماعی میخواهد، دیگر نمیخواهد تحت ستم یک قوم بحیث غلام زندگی کند. زعمای قوم پشتون باید از گذشته هاعبرت بگیرندو به خواسته های مردم تن بدهندو نگذارندو وحدت ملی که ضامن بقای افغانستان است، صدمه ببیند.

نامگذارهای شهر کهاو کار ته هاو خیابانها به یک قوم اختصاص یافته و در اشعار وسروده های پشتون افغانستان ارمال وملک احمدشاه و میرویس قلمداد میکنند، درحالیکه اگر وجدان شان رابکاراندازند، این خطه آریانا وخراسان بود وطی کمتر از یکصدو پنجاه سال نامش به افغانستان مبدل شد. آریانا اصلا سرزمین زردشت و یما(جمشید) بود، سرزمین کشیکابود، سامانیان، صفاریان، طاهریان وحکومتهای ملی، خراسان را از جنگال اعراب اشغالگر نجات دادند، مردم آریانا و خراسان، در هجوماهای بیگانگان قربانی داده اند. در آن برهه ها، برادران پشتون اقلیت کوچی و کوچکی در کوههای سلیمان بودند، و بعداً آهسته آهسته به کل مملکت نفوذخود را پهن نمودند، اصفهان وهندوستان را خراب کردندو رمق حیات مردم بومی مارا از تن شان گرفتند. بخاطر حفظ وکسب قدرت، پسر پدر راوبرادر برادررا کشته یاکور کرده اند.

وزارت سرحدات وقبایل از بدون وجود آمدن، کاری درراه وحدت قوم پشتون(لر و بر) انجام نداده وخون یتیمان وبیوه های افغانستان را بالای اولادقبایل به مصر رسانیده است. بدست این وزارت ناقلین سرحدی، کوچپهاو طالبان ظلمت تا کنار آمو رسیده اند، حالاهم تلاش درین جهت ادامه داردو هیچ قدرتی آنرا مهار نتوانسته ونخواهد توانست. خداوند به داد مردم افغانستان برسد ! آمین /

سیاست های زبانی در افغانستان
(دنباله از صفحهٔ سوم)

بعنوان سفیر تبعید نمودند، وبقیه راز کار بر طرف ویا بزندان انداختند. دیری نگذشت که عداوت شدید داخلی بین رهبران جناح خلق بروز نموده ومنج به مرگ اسرار آمیز نورمحمد ترکی و غصب قدرت توسط حفیظ الله امین شد.

اختلافات شدید فرقی بین حزب دموکراتیک خلق افغانستان توأم باتنیدید مقاومت علیه رژیم بالاخره زمینه رابرای حملهٔ نظامی اتحاد شوروی برافغانستان آماده ساخت. دردسمبر ۱۹۷۹ ارتش سرخ شوروی برای جلو گیری از سقوط رژیم مارکسیستی درافغانستان، به کابل حمله نموده وبعماز قتل رساندن حفیظ الله امین، بیرک کارمل را، که همزمان باقوای سرخ داخل افغانستان شده بود، به قدرت رساندند. از اقدامات اول کارمل ایجاد حکومت ائتلافی، مشکل از سران پرچم وخلقپهای مخالف حفیظ الله امین بود. طوریکه درسال ۱۹۸۴ از جملهٔ ۱۳ نفر اعضای پولت بیروی شورای اقلانی حزب دموکرایک هشت نفر آنرا اعضای پرچم وبقیه را اعضای جناح خلق تشکیل میداد.

پس از حملهٔ نظامی اتحاد شوروی مبارزه علیه رژیم مارکسیستی شدت یافت. قیامهای شدید مردمی در مقابل قوای دولتی وعساکر شوروی درسراسرافغانستان آغاز شد. باوجود پشتیبانی قوای اعزامی شوروی، که بتدریج تعداد آن به ۱۲۰ هزار نفر رسید، رژیم مارکسیستی نتوانست که حاکمیت خود را در مقابل مبارزات گستردهٔ مجاهدین حفظ نماید. بنابراین درسال ۱۹۸۶ مقامات شوروی بیرک کارمل را وادار نمودند که از مقام خویش بنفع یکی از اعضای دیگر پرچم، دا کتر نجیب الله رئیس سابق خاد(دستگاه امنیتی) استعفا نماید. نجیب الله بلافاصله برنامهٔ (آشتی ملی) را که حاکی از عقب نشینی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از سیاست های افراطی مارکسیستی –لینستی بود، اعلان نمود./ (بخش نهایی در شمارهٔ آینده)

جنون چین و جنایت
(دنباله از صفحهٔ دوم)

زیرا آنها جرئت وشهامت مقابله رویاروی باسربازان اردوی ملی ندارند. تبلیغات بی معنی ونادرست و اعلان جهادمقابل امریکا توسط مالاخواصی، که هیچگونه صلاحیت شرعی برای اصدار این فتوا ندارد، چه دلیل داشته میتواند؟ ملا خواصی هم در شمار حواریون کرزی از حزب کلبدین وطالبان، همان شعارهایی رانشخوار میکند که پاکستان خلق نموده است.

نظام منحط وفرتوت قبیله، برای استمرار خود به هرخص وخاشاک متعفن و پوسیده دست می اندازد تا خود را از سقوط شرم آور نجات دهد. چه شرم آوراست که یک روزنامهٔ معتبر جهان، رئیس جمهور را جعلکار ثابت میسازد، تحقیقات وبررسی هاورا پورهای موسسات بین المللی وحقوق بشر، ادارهٔ او را: درجه اول در فساد اداری، درجه اول در تولیدو قاچاق مواد مخدر، و درجه اول در جعلکاری وفریب قلمداد می نمایند! نام خدا آقای کرزی! ایستت حاصل کار سیزده ساله ات به ملت :

جنون، چین و جنایت و شعبده بازی !!!

واحسرتا که در کاخ ریاست جمهوری (ارگ) صرف جنایتکاران و دیوانگان

مجال توطن طولاتی می یابند !

اکنون که کرزی برای رفتن به سیاهترین اعماق تاریخ آمادگی می گیرد، مغز متعفن دیگری میخواهد نظام فر توت قبیله رادرافغانستان استمرار بخشد ! اشرف غنی، مغز متعفن درجه اول:(در شمارهٔ آینده)

بازگشت همه به سوی اوست

وفات مرحومه بی بی حاجی صاحبه حلیمه پوپل را در ورجینیا، به خانواده های محترم پوپل، کاوش، بختیاری، اعتمادی، فرحتی و تاج، بویژه دوست گرامی و گرداننده دانا وادیب محافل ادبی شام عرفان، آقای عبدالولی پوپل صمیمانه تسلیت گفته، برای مرحومه بهشت برین و به بازماندگان صبر و اجر جزیل استدعا می کنیم. امید

خطاب به خطاب (دنباله از صفحه پنجم)

در آمدواکنون چشم براه کابل دوختند، ۱۳ فبروری چهار آسیاب بدون جنگ بدست طالبان مبادت و گلبندین بصوب سروي فرار میکنند. ۱۶ فبروری طالبان به ۱۵ کیلومتری کابل رسیده و صلیب احمرین المللی بموافقت طالبان بفعالیست خود در کشور ادامه میدهد. در ۱۸ فبروری استادربانی بعد از ختم دوره ماموریتش بحیث رئیس جمهور، به ملل متحد پیشنهاد کرد که مذاکرات به جوانب مختلف درباره آینده افغانستان بشمول طالبان شروع شود طالبان تشکیل یک کمیسیون را متشکل از مسلمان های خوب(؟) و نماینده های ۳۰ ولایت پیشنهاد کرده اضافه نمودند که در عین زمان باید قوای بیطرف در کابل مستقر گردد.

اول مارچ طالبان در ۹ ولایتی که در تصرف داشتند تطبیق احکام شرعی را جاری ساختند و در لشکر گاه اشخاصی که به ارتکاب سرقت دستگیر شده بودند دست راست و پای چپ شان در محضر عام قطع شد. ۸ مارچ افراد حزب وحدت مناطق تحت تصرف خود را در نواحی دارالامان باسلحه دست داشته به طالبان تسلیم میکنند و در حوزه جنوب غرب کابل طالبان اولین حمله خود را بر قوای حکومت شروع کردند. در همین روز ۸ مارچ راپور داده شد که از دو روز به اینطرف قوای طالبان با قوای اسمعیل خان در دلارام فراه جنگ داشتند و اکنون جانب میدان هوایی شینند در حرکت میباشد. ۹ مارچ حزب وحدت و طالبان موافقه میکنند که متحدهانه بصدق قوای حکومتی بچکنند. ۱۸ مارچ طالبان ولایت نیمروز را بحیث دهمین ولایت افغانستان تصرف کردند.

۴ اپریل طالبان سه ولسوالی بادغیس را بتصرف در آوردند، ۲۰ اپریل تماسها بین گلبندین و طالبان برقرار گردید، ۲۳ اپریل طالبان به استثنای مواد غذائی - انتقال روغنیا و نفت بسوی کابل را منع کردند. ۲۸ اپریل طالبان در فراه با ورود ۲۵۰۰ نفر قوای حکومتی از کابل به کمک اسمعیل خان شکست خوردند.

۱۳ می اسمعیل خان قوای طالبان را از ولایت فراه میراند و کنترل شهر بدست میگردد و یک روز بعد قوای حکومتی رزج مرکز نیمروز را از تصرف طالبان خارج میسازد.

۲ جون طالبان در جنوب کابل میدان شهر و محمد آغه و امور در حمله قرار میدهند، ۳ جون یکروز بعد سه قوای مخالف دولت یعنی گلبندین، جنرال دوستم و طالبان سعی میورزند تا با هم یک اتحادی تشکیل داده کابل را اشغال نمایند، اما بسین حکومت و طالبان بروز ۹ جون موافقه آتش بس ۱۰ روزه پذیرفته میشود، و حکومت مجموعاً در حدود ۵۰۰ طالب اسیر میگردد. ۱۴ جون طیاره های جنگی اسمعیل خان دلارام را در فراه بمباران میکنند و در روز ۲۰ جون شهر بامیان با قوای طرفدار حکومت آزاد میشود و در حدود صد هزار نفر ساکنان غیر نظامی بکوه های دور نواح پناه میبرند. ۳۰ جون سردار ولی به دعوت مقامات پاکستان بیک سفر رسمی چهار روزه وارد پاکستان میشود و پای انداز قالین سرخ شاهانه استقبال میشود و با بنظیر بوتو صدر اعظم کشور و رئیس جمهور لغاری ملاقاتهای جداگانه انجام میدهد. من عکس العمل خود را زیر عنوان تصمیم یک جنرال مضمون نچندان ملایم در نامه هفتگی امید به نشر رساندم.

بروز ۱۹ اگست طالبان در ۳۵ کیلومتری کابل رسیده و پایتخت را زیر آتش راکت نامورد حمله قرار دادند که سبب قتل ۲۱ نفر و زخمی شدن ۲۴ نفر غیر نظامی گردید، ۲۳ اگست دلارام که یک شهر مهمی بین قندهار و هرات است، از تسلط طالبان خارج و تحت کنترل حکومت در آمد و بروز ۲۷ اگست گرشگ راطالبان متصرف شدند. ۳۱ اگست قوای حکومت در هیرمند شکست خورد و دلارام از طرف طالبان تسخیر گردید.

در اول سپتمبر گرشگ، دلارام، فراه، میدان هوایی شینند و شهر هرات تحت تسلط طالبان قرار گرفت. ۴ سپتمبر اسمعیل خان با سه صد نفر از افرادش به ایران پناه برد، و جنرال علاءالدین به قوای حکومت پیوست و تمام غرب افغانستان به تسلط طالبان درآمد.

۵ سپتمبر قوای سیاف به جنگهای شدید با طالبان در غرب کابل رویرو شد و چون یکی از فرماندانش به طالبان پیوست، سیاف هم به پاکستان رفت.

روز ۶ سپتمبر در حدود ۵۰۰۰ نفر بر سفارت پاکستان در کابل حمله کرده آنرا به آتش میشانند، که یک نفر هلاک و ۳۴ نفر زخمی میشوند. این عمل مخالفت مردم را بمقابل کمک و پشتیبانی پاکستان از طالبان بر ملا می سازد و بروز ۱۵ سپتمبر طالبان اخطار میدهند که اگر استادربانی از قدرت کناره گیری نکند بر کابل حمله خواهند کرد. ۱۹ سپتمبر استادربانی با محمود میستری نماینده منشی ملل متحد ملاقات نموده گفت مذاکرات کشورهای خارجی (پاکستان و ایران) بزرگترین مانع استقرار صلح در افغانستان میباشد.

یکروز بعد سردار آصف علی وزیر خارجه پاکستان با ظاهر خان در روم ملاقات میکند و پادشاه سابق بوی اصرار نموده خاطر نشان ساخت که باید به ملت موقع داده شود تا بدون مداخلات خارجی با دایر کردن لوی جرگه اضطراری که مرکب از تمام اقشار و طبقات افغانستان باشد اقدام کنند. ۲۰ سپتمبر دختران هرات به میستری از مسود شدن مکاتب شان از طرف طالبان شکایت کردند و محمود میستری در همین روز به قندهار سفر نمود تا به بعضی از اعضای شورایی طالبان ملاقات کند. ۲۱ سپتمبر بغمان در غرب کابل بتصرف طالبان درآمد، ۲۲ سپتمبر علاءالدین بروجردی معاون وزارت امور خارجه ایران در جلال آباد با گلبندین مذاکره کرد و شش روز بعد در ۲۸ سپتمبر گفت دوره جدید جنگها و تهدید طالبان مایه تشویش کشورش را فراهم نموده، اگر طالبان به تهدید غیرمسلحانه خود علیه کابل دوام دهند، قتل عام و خونریزی در سراسر افغانستان براه خواهد افتاد. طالبان بعد از شکست شان در میدان شهر ضرب الاجل خود را که علیه کابل اعلان کرده بودند فسخ کردند، ۲۷ سپتمبر حکومت اعلان کرد که حاضر است باتمام مخالفین بشمول طالبان داخل مذاکره شود، اما دوروز بعد حزب گلبندین و جنبش اسلامی دوستم پیشنهاد استادربانی را جهت مذاکره رد نموده علاوه کردند تا زمانی که استاد و قوای حکومتشان در کابل موجود باشد، مذاکراتی بین شان صورت نمیگیرد.

۱۴ اکتوبر قوای حکومتی قسمت اعظم ولایت هرات را بدست آوردند و در عین زمان برای دوشب در نواحی جنوبی و غربی کابل بین حکومت و طالبان جنگ جریان داشت. در روز ۱۵ اکتوبر در اثر یک حمله راکتی طالبان ۵ نفر در کابل قتل رسیده و ۱۵ نفر زخمی شدند، ۲۳ اکتوبر طالبان قشله عسکری قرغه را بمبارد کرده ۵ نفر را کشتند، ملامر که تا هنوز ۵ نومبر دیده نشده گفت: با گرفتن قسرت، استادربانی واحمد شاه مسعود را محاکمه میکند (بگمان اغلب گناه شان مقاومت بمقابل پاکستان و شکست پاکستانها بود).

۶ نومبر بر اثر اصابت ۱۳ راکت خسارات زیادیه سفارت ایتالیا و اقامتگاه سفیر هند در کابل وارد آمد، ۱۰ نومبر سه طیاره میگ از قندهار پرواز و میدان هوایی بگرام را بمبارد کردند، که خسارات سنگین وارد شد (طالب و پرواز طیاره میگ؟؟؟). دوروز بعد قوای حکومت به طالبان در جنگ شدید درگیر شده آنها را مجبور به عقب نشینی در میدان شهر کرد و طالبان در ارتفاعات جنوب غرب کابل جایگاه شده متباقی قوای خود را به ریشخو و چهار آسیاب تمرکز دادند. ۱۶ نومبر استادربانی پلان ۲۸ فقره ای صلح محمود میستری را پذیرفت، اما مخالفین دولت آنرا رد کردند، ۲۳ نومبر طالبان زندان بلجری را بتصرف در آوردند و ۲۶ نومبر قوای طالبان طی ۹ روز ۹ بمب را بر نقاط مختلف کابل ریختند که در اثر آن ۳۹ نفر را قتل رسانیدند و ۴۰ نفر را زخمی ساختند.

۹ دسمبر قوای حکومت و طالبان در پنج کیلومتری شهر کابل برای ۱۶ ساعت به تبادل ششبار اکت، ماشیندار، توپ، تفنگ و تانک پرداختند، سه روز بعد شهر کابل چهار بار هدف آتش توپخانه طالبان قرار گرفت که سه نفر را کشتند و دو نفر را زخمی ساختند، ۲۲ دسمبر طیاره های میگ دولتی از میدانهای کابل و بگرام پرواز کرده مواضع طالبان را در نزدیکی کابل بمبارد کرد، در عین زمان بروجردی معاون وزارت خارجه ایران سعی میورزد تا حزب وحدت و جنبش را با ائتلافی که در کابل تشکیل شده همکار سازد.

در سال ۱۹۹۶: بتاريخ ۲ جنوری ۴۶ بنظر احتمال یک اتحاد بین حزب اسلامی و جمعیت اسلامی ملاقات صورت گرفت، ۷ جنوری، دولت ایران از رهبران تنظیمهای جهادی دعوت کرد که به تهران رفته در باره صلح در افغانستان مفاهمه کنند و همکاری پاکستان را تقاضا کرد. معلوم میشود که ایران از پیشرفت طالبان و پشتونهای سنی مذهب افغان در هراس اند و این در حالیکه پاکستان به گروه طالبان کمک میکند؛ طالبان این پیشنهاد رد کردند. ۸ جنوری طالبان فتوا دادند که مردها در ناحیه تحت تسلط شان ریش بگذارند و به کارکنان دولتی که ریش میتراشیدند اخطار دادند که اگر ریش نگذارند، از کار بر طرف میشوند. ۲۵ جنوری راپور داده شد که در چهار ماه اخیر راههای ورودی راطالبان از جوانب شرق و غرب بروی شهر بان کابل مسدود ساختند. (دنباله در شماره آینده)

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵ دالر - یکسال (۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر - یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۶۵) دالر - یکسال (۱۲۰) دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

درباره تخلف تلویزیون ژوندون (دنباله از صفحه ششم)

اسماعیل یون مالک این تلویزیون، که نویسنده کتاب مشهور دویمه سقاوی است، بطور مسخره قیافه پیشوای قومی بخود گرفت و، جالبتر اینکه مقام قضا که اصولاً باید در پایان قضیه، یعنی وقتیکه باید دوسیه تکمیل و به قضا سپرده شود، اظهار نظر و حکم کند، درین مورد بابتکار خود، با فرمان مقام بالا فوراً حکومت به لغو پیشنهاد تعلیق داد! بعلاز این، تلویزیون ژوندون چندین شب پیروزی خود را طی برنامه های تلویزیونی جشن گرفت. وقتی اعضای شورای سراسری مردم کابل که تعدادی از دوستان من هم عضو آن ات، از وزیر اطلاعات و فرهنگ، که بنیانگذار و رئیس آن شورا است، خواستند که اجازه دهد مظاهره بزرگ چند هزار نفری را ضد این زورگویی و زدوبند های ناجوانمردانه در شهر راه اندازند، قبول نکرد. گفته میشود که وی مدتیست بادل سردی در حالیکه رابطه تلخ و کزختی با دستگاه دارد، در انتظار پایان یافتن دوره کارش در حکومت حاضر است.

زین العابدین عثمانی فرانکورت - آلمان

در ادامه بازیهای روی کوچه

میرده کان: میرده کان هم یکی از جمله بازیهای بسیار قدیم کوچه های کابل بود، که در دو نیم دهه ده نقری در یک محل مخفی آغاز می شود. بطور مثال یک تیم در عقب یک دیوار بنهان میشود، تیم دوم در عقب دیوار دیگر، که حرفانی که جوهره خود را قبلاً انتخاب کرده، دیده نمیتوانند. پس برقرار قرعه هر کسی که برد، صدای اول را انتخاب میکند، بطوریکه بالای تیم دوم صد میزند: برادر گل! نام بده خوده بگو که در کجای صف قرار دارد؟ اگر طرف مقابل توانست بگوید که در صف ده نقری، تقریباً بیستم فلاحی جان قرار دارد، و اگر درست باشد، فوراً میگردد یا جوهره خود را از پیش ماتسليم شو! بهمین قرار گروه دوم بالای گروه اول صد میزند که در صف شما، فلاحی جان در کجاست؟ اگر درست باشد، فوراً میگردد یا جوهره خوده بر! تا به آخر شناسایی حرفان ادامه می یابد. در پایان دو حکم از هر دو جانب صداهای درست را محاسبه نموده به گروه موفق تحفه تهیه شده را تقدیم میدارد که بازی باخوشی پایان می یابد.

جزایزی: جزایزی هم یکی از بازیهای بچه ها و دختر هاست، که به ترتیب پای و هوشیاری بازی میشود. اول روی زمین رافعه چوب یا سنگی خط کشی میشود، برای دویای چپ و راست و، در آخر یک خانه یابانی در وسط. لشیاک که توته سنگی معمولاً صیقل شده است ب دست در خانه اول گذاشته شده و به اصطلاح یک لنگه لشیاک به خانه بعدی انداخته میشود، اگر بازی کننده لشیاک را روی یکی از چارخط آن احاطه انداخت، نوشتش تمام میشود، و حریرف وارد بازی شده و مثل نفر اول بازی را شروع میکند.

خانه هاهمان شکلهای مستطیلی است که پیش از بازی روی زمین نقشه میشود و تقریباً هر خانه ۷۵ سانتی ارتفاع و دو متر عرض خط کشی می شود. بازی کننده باید با هوشیاری و دقت لشیاک را به خانه بعدی بفرستد تا روی خط نیاید و نوشتش به پایان نرسد، زیرا بازنده میشود به اصطلاح نوشتش می سوزد! برنده کسی میشود که لشیاک را به خانه آخر بدون اشتباه برساند.

تسله بازی: تسله های شیشه بی بین بچه های کوچه قدر و قیمت زیاد داشت، و از نظر نقش و رنگهای متنوع نیز اهمیت داشت. بازی طوری شروع میشود که اولی تسله خود را در دامن نفردوم می اندازد تا از روی دامن او به زمین برسد و بعد سعی میکند آنرا در (قط) یا جقوری که قبل از آغاز بازی در زمین کنده شده برساند. اگر تسله والای اول، تسله نفردوم را میزد، (دنباله در صفحه هشتم)

مغازة قالین فروشی شرقی مارکوپولو

به مدیریت عبدالله خواجه

قالین های ما بهترین جنسیت و نقش های زیبا و نفیس دارد

مارکوپولو مرکز بافندگی و عمده فروشی اقسام قالین های بافته شده در افغانستان،

ایران، ترکیه، هندوستان و سایر کشورها

در قلب شهر الکسندریه، ایالت ورجینیا در خدمت همه مشتریان، به ویژه هموطنان گرامی

با مناسب ترین قیمت می باشد.

ما بهترین جنس قالین، قالینچه، پای انداز، قالین های مدور، پوش بالش و دوشک را با نازل ترین قیمت عرضه می کنیم.

بهای قالین در مارکوپولو

قیمت شکن است

MARCO POLO ORIENTAL RUGS
Manufacturers & Wholesalers of Oriental Rugs
We Buy, Sell, Clean, and Repair
Antique & Semi-Antique Rugs
Abdullah Khaja
Owner
Phone: 703-461-0207
703-461-0208
Cell: 703-629-2380
marcopo-lorugs@aol.com
648 S. Pickett St.

هر نوع شاریدگی، پارگی، رنگ رفتگی، چملمکی و هر گونه نازیبایی که بر فرشهای ظریف و قالینهای گران بهای شما وارد شده باشد، در مارکوپولو اورینت رگز با چیره دستی تمام، با دستمزد بسیار ارزان و در کوتاه ترین زمان، به حال اولیه شان برگردانده می شود. اگر به این خدمات نیاز دارید، به ما تلفون کنید، ما آن را از دم دروازه خانه تان تحویل گرفته، پس از ترمیم دوباره برمی گردانیم.

کتاب (یادداشت‌های استاد خلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند یک نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 22, Issue No. 967, February 19, 2014, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax: (703) 491-6321 Cell: 571 435 4604
Email: mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان
لیسه عالی حبیبیه
بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسۀ عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هرچه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه مارچ ۲۰۱۴ ارسال دارند.
تلفون ۴۳۵-۴۶۰۴-۵۷۱
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

PHONE # (510) 792-2629	BANK OF AMERICA	ACCT # 06636-74303
خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.		
		<p>PANAH CHARITY P.O. BOX 3131 SAN RAMON, CA 94583 www.panahcharity.org rbenish@panahcharity.org 501c (3)</p>

اگامی
معلمین عزیز، متعلمین و منسوبین سابقه دار لیسۀ عالی غازی اینجانب م. کبیر سراج فارغ التحصیل سال ۱۳۴۴ خورشیدی آن لیسۀ گرامی، به خواهش برخی از فارغ التحصیلان قبلی، آغاز به جمع آوری اطلاعات برای تهیه تاریخچه آن موسسۀ عالی تعلیمی نموده ام، که کاریست بس دشوار، و امریست که به همکاری وسیع دوستان ضرورت دارد. انتظار دارم منسوبین سابقه دار لیسۀ عالی غازی مراد در تدوین تاریخچه مورد نظر باری نمانند. شماره های تماس: cell: 703- 598- 7891 703- 542- 8107 Email: mkseraj@gmail.com

جنجال با اتحادیه اروپا در مورد (قانون اجراء جزایی)
۱۱ فبروری/بروکسل - بی بی سی: اتحادیه اروپا تبدیل در قانون اجراء جزایی افغانستان را گامی به عقب خوانده است. بر اساس تعدیلات ماده ۵ و ۶ قانون اجراء جزایی، اعضای خانواده در پرونده های مربوط به خشونت خانوادگی نمیتوانند در دادگاه شهادت بدهند. بیشتر قربانیان خشونت خانوادگی، زنان و کودکان اند. چنین خشونت‌هایی، مانند قتل ناموسی، شکنجه و آزار و اذیت جنسی، در جایی اتفاق می افتند که شاهدان محدودی جز اعضای خانواده ندارند. در چنین مواردی، بستگان قربانی و عوامل خشونت، اعضای یک خانواده اند.

نشان میدهد که ساحه، دولتی بوده است؛ دوسیه ساحه کود کستان مقابل سیلو که فعلاً به بلاکهای خلاف پلان معامله شده؛ دوسیه های اختلاس شهردار در پروژه سرک سازی لطیفی و قویا بش نیازی انترنیشنل درسه دوسیه؛ دوسیه بلاک های ۲۶، ۲۴، ۲۷ و ۲۸ که به اساس معامله شهرداری به اساس سند جعلی توزیع شده و دوسیه بلاک ۲۸ که شخصی توزیع گردیده و کروکی ۲۸ بصورت دولتی که قبلاً تریب شده بود. کمسیون تا یکدمود هروقتیکه رئیس بلدیۀ کابل خواهان بحث و توضیحات درین زمینه هباشد، حاضر به گفتگو میباشند و اما از حاضر نشدن شهردار در جلسات کمسیون، تالار عمومی و رسانه ها به شدت انتقاد نمودند.

پیچیدگی مساله در جامعه سنتی افغانستان اینست که به سختی کسی حاضر است علیه پدر، برادر و یا یکی از اعضای خانواده خود در دادگاه شهادت دهد. سازمان های مدافع حقوق بشر تا یکدم دارند که با بدست کار قانونی وجود داشته باشد که اعضای خانواده مهم و قربانی به تامین عدالت کمک کنند. قانونگذاران افغانستان اما با توسل به این نکته که نمیتوان کسی را به اجبار وادار به شهادت دادن کرد، ظاهر اسعی دارند و روحیه محافظه کارانه جامعه افغانی را در قانون اجراء جزایی نیز حفظ کنند. شهادت عضو خانواده علیه عضو دیگر حتی برای تامین عدالت در جامعه افغانی احتمال دامن زدن به دشمنیهای خانوادگی را در پی دارد. بعبد نیست تصور شود که قانونگذاران افغان به این جنبه مساله نیز توجه داشته اند.

هلاکت ۴۶ طالب در ننگرهار
۱۴ فبروری/جلال آباد: باختر: در دو عملیات نیروهای امنیتی در ولسوالیهای شیرآدو و خوگیانی ولایت ننگرهار انجام شد، ۶ طالب مسلح کشته شدند. درین عملیات چهار کارخانه تولید هیروین نیز تخریب و ازین برده شد. در دو عملیات دیگر نیروهای پلیس در ولسوالیهای مارجه و نهر سراج ولایت هیرومنده طالب کشته، چهار طالب زخمی و ۵ طالب با مقداری جنگ افزار بازداشت شدند. در یک عملیات دیگر پلیس که روز گذشته در ولسوالی قرغه بی ولایت لغمان راه اندازی شد، ۱۴۲ کیلوگرام هیروین کشف و ضبط گردید. در دو عملیات دیگر پلیس روز گذشته در ولسوالیهای پنجواپی و میوند ولایت قندهار انجام شده با یک فیر مرمی هاوان بازداشت شده اند. در برخورد دیگر پلیس دیروز در منطقه حیدرآباد مرکز شهر غزنی یک طالب همراه با مقداری جنگ افزار بازداشت شد.

این ماده از قانون اجراء جزایی که به گفته مقامات اتحادیه اروپا اخیراً تعدیل شده، تا یکدم کرده که در دادگاه رسیدگی به پرونده خشونت‌های خانوادگی، شاهد باید بیرون از خانواده باشد. کاترین استون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، گفت این یک گام به عقب در راستای تامین عدالت و مبارزه برای بدست آوردن حقوق زنان و دختران در افغانستان است. او نگرانست که این تعدیل مانع پیگیری عاملان خشونت علیه زنان و کودکان شود. فعالان حقوق زن در افغانستان هم نگرانند که نتوانند فرصت دارند تا مانع تصویب این قانون شوند.

بکس مملو از مواد انفجاری به کشف شد
۱۲ فبروری/کابل - باختر: پلیس کابل شخصی را به اتهام نگهداری یک بکس مملو از مواد انفجاری در دکانش از ناحیه سوم شهر بازداشت نمود. این بکس دپلمات که بداخل آن دو حلقه ماین ضد سایط و ۸۰۰ کیلوگرام مواد انفجاری جاسازی شده بود، قرار بود در فعالیت تروریستی و تخریبی در کابل استفاده شود از یک دکان حلبی سازی از ساحه کوته سنگی کشف و بدست پلیس افتاد. مالک دکان بازداشت شد اما او در اعتراف ابتدائی گفت بکس از شخص دیگریست که نزد او به امانت گذاشته شده بود. گفته شده یک تعداد اوراق تبلیغاتی طالبان نیز در داخل بکس جاسازی شده بود.

پنج میلیون افغان نیازمند امداد اضطراری اند
۱۲ فبروری/کابل - صدای امریکا: سازمان ملل خواهان کمکهای بشر دوستانه به مردم افغانستان است و میگوید بزرگسال ۲۰۱۴ به ۰۶ میلیون دالر نیاز است تا به آسیب دیده های حالات اضطراری و جنگ رسیدگی شود. مارک بودین معاون دفتر ملل متحد در افغانستان، امروز در یک نشست خبری از جامعه جهانی خواستار ۴۰۶ میلیون دالر برای رسیدگی به آسیب دیدگان حالات اضطراری، در سال جاری میلادی شد. او گفت پنج میلیون نفر در افغانستان به کمکهای اضطراری نیازمندند در حالیکه این کشور از جمله کشوری های به شمار میرود که از نگاه رساندن کمک ها نیز با چالشهای بزرگ مواجه است. من به عنوان هماهنگ کننده کمک های بشری اینجا حضور دارم تا توجه تان را به ضرورت کمکهای بشری به افغانستان جلب کنم و اعلان کنم که به ۴۰۶ میلیون دالر کمک های جامعه جهانی و سازمان ملل نیاز است. پیام اصلی من امروز اینست که کمکهای بشر دوستانه باید در سطح بلند، به صورت جدی و با در نظر داشت نیازمندی ها ارایه شود.

پنج میلیون افغان نیازمند امداد اضطراری اند
۱۲ فبروری/کابل - صدای امریکا: سازمان ملل خواهان کمکهای بشر دوستانه به مردم افغانستان است و میگوید بزرگسال ۲۰۱۴ به ۰۶ میلیون دالر نیاز است تا به آسیب دیده های حالات اضطراری و جنگ رسیدگی شود. مارک بودین معاون دفتر ملل متحد در افغانستان، امروز در یک نشست خبری از جامعه جهانی خواستار ۴۰۶ میلیون دالر برای رسیدگی به آسیب دیدگان حالات اضطراری، در سال جاری میلادی شد. او گفت پنج میلیون نفر در افغانستان به کمکهای اضطراری نیازمندند در حالیکه این کشور از جمله کشوری های به شمار میرود که از نگاه رساندن کمک ها نیز با چالشهای بزرگ مواجه است. من به عنوان هماهنگ کننده کمک های بشری اینجا حضور دارم تا توجه تان را به ضرورت کمکهای بشری به افغانستان جلب کنم و اعلان کنم که به ۴۰۶ میلیون دالر کمک های جامعه جهانی و سازمان ملل نیاز است. پیام اصلی من امروز اینست که کمکهای بشر دوستانه باید در سطح بلند، به صورت جدی و با در نظر داشت نیازمندی ها ارایه شود.

امریکا ۳۰۰ میلیون دالر به حمایت از اقتصاد افغانستان میدهد
۱۰ فبروری/واشنگتن دی سی - بی بی سی: قرار است امریکا طرح جدیدی را به ارزش ۳۰۰ میلیون دالر برای حمایت از اقتصاد افغانستان رو بدست بگیرد. بخش اول این طرح شامل ۷۷ میلیون دالر است که هدف آن افزایش توانایی تجاری و مالی افغانستان برای راه یافتن این کشور به سازمان تجارت جهانی در اواخر امسال خوانده شده است. مقامات امریکا گفتند این طرح از سوی اداره توسعه بین المللی امریکا عملی خواهد شد. یک مقام وزارت خارجه امریکایه خبرگزاری فرانسه گفت: تحقیقات نشان داده که اگر کشورهای مثل افغانستان اصلاحات قانون نگذاری برای عضویت در سازمان تجارت جهانی را عملی سازند، تولیدات ناخالص داخلی آنها در جریان ۵ سال ۲۰ درصد رشد خواهد کرد.

بازی های روی کوچه
وتشله خود را طرف قط یا چوقوری نزدیک کرد و در آن انداخت، برنده شدن وی را اعلان میکنند، و بازی بهمین طریق ادامه می یابد.
غولک بازی: غولک را اکثر خودیچه ها از دو توته رابر و یک توته جرم برای گذاشتن سنگچل میسازند، یعنی رابرها را از دو جانب به توته جرم می بندند. بعد نوک دیگر رابرها را به یک دوشاخه که معمولاً از درختهای دور نزدیک می برند، بسته میکنند.

این برنامہ، معاملات تجاری افغانستان با کشورهای آسیای میانه و هند را حمایت خواهد کرد و به دولت افغانستان کمک خواهد کرد تا درآمد خود را از طریق جمع آوری مالیات بر ارزش افزوده، بالا ببرد. بخش دوم طرح شامل مصرف ۹۲ میلیون دالر برای توسعه نیروی کار ماهر در افغانستان است که با ایجاد همکاری بین دانشگاههای امریکا و دو دانشگاه افغانستان صورت خواهد گرفت. این برنامه از اول جنوری امسال آغاز شده است. بخش سوم شامل ۲۰ میلیون دالر برای حمایت از کشاورزی در زمینه تولید غله، تقویت دامداری و افزایش امنیت غذایی است. یک مقام وزارت خارجه امریکا گفت: در کنار دیگر مزایا، این طرح زمینه دست رسی حدود ۴۰۰ هزار کشاورز به فن آوری و بازاریابی را فراهم میکند و انتظار میرود که تولید غله را تا ۲۰ درصد افزایش دهد. امریکا در زمانی این طرح را اعلام میکند که قرار است تا پایان امسال نیروهای خارجی از افغانستان خارج شوند و نگرانیهای وجود دارد که کاهش کمکها موجب بدتر شدن وضعیت اقتصادی در افغانستان شود. اخیراً کنگره امریکا کمکهای توسعه اقتصادی افغانستان را تا ۵۰٪ کاهش داد و انجام کمکهای بیشتر را به امضای موافقت نامه امنیتی منوط کرد. موافقت نامه امنیتی سندی است که به شماری از نیروهای امریکا اجازه می دهد تا پس از پایان ماموریت رزمی ناتو در پایان امسال، در افغانستان باقی بمانند. دیروز وزیر خارجه آلمان نیز در دیدارشان از کابل اعلام کرد که ادامه کمک های آلمان به افغانستان به امضای موافقت نامه امنیتی این کشور با امریکا وابسته است.

به تشخیص آقای بودین، افغانستان خطرناکترین کشور برای کارمندان مؤسسات کمک رسانی نیز محسوب می آید. او گفت: در آغاز سال ۲۰۱۴ افغانستان با آینه نامطمئن روبروست و احتمال دارد که انتقال نظامی و سیاسی تغییراتی را در این کشور به وجود آورد اما ابراز امیدواری می کند که در نتیجه این تغییرات تحولات مثبت رخ دهد.

شکایت از فساد در شهرداری کابل
۱۲ فبروری/کابل - باختر: رئیس و اعضای کمسیون مواصلات و امور شهرداریهای مجلس شورادر مورد کارکردهای شهرداری کابل و فساد موجود در آن اداره، به رسانه ها معلومات ارائه کردند. قیس حسن رئیس کمسیون گفت با اعزام هیئت کمسیون جهت بررسی کارکردهای بلدیۀ کابل دریافت شد که موارد زیادی از اخلافکاری و نقض قانون توسط شهردار کابل صورت گرفته و اسناد نشاندهنده اینست که شهردار کابل به فساد، اختلاس و سوءاستفاده از صلاحیت های دولتی متهم می باشد.
قیس حسن از مواردی چون قرارداد ناحیه دوم احکام شهرداری برای ساختمان ساحه عقب لیسه اماتی که برای سیدولی و شرکایش به صورت غیرقانونی توزیع شده؛ سه دوسیه از بلاکهای ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ که هم دولتی بوده وهم بصورت شخصی طی مراحل شده و تعرفه ها تثبیت کننده ساحه دولتی میباشد که مردم از ناحیه پنجم اخذ پول را به بانک تحویل نمودند، همچنان اسناد و بیدیوی

متهم به قتل رئیس ناحیه ۴ هرات بازداشت شد
۱۲ فبروری/هرات - رادیو آزادی: مسئولان امنیتی ولایت هرات میگویند، یکن راهبه اتهام قتل بلدا و وزیر رئیس ناحیه چهارم شهرداری شهر هرات بازداشت کرده اند. فرد بازداشت شده یکی از اعضای خانواده شوهر خانم وزیر می باشد. تحقیقات پلیس درین زمینه جریان داشته گمان میرود که در قضیه افراد دیگر نیز دخیل باشند. بلدا و وزیر دوماه قبل از سوی افراد ناشناس به قتل رسید.

بر میدان هوایی هرات ۳۹ میلیون دالر مصرف میشود
۱۲ فبروری/هرات - رادیو آزادی: حضرت عمر زخیوال، وزیر مالیه افغانستان دیروز در هرات یک قرارداد دراز مدت را درین خصوص با مایکل والنسیس، سکرتر جنرال وزارت خارجه ایتالیا امضا کرد. والنسیس گفت: این یک قرضه دراز مدت به هدف علاقمندی و سهم گیری دولت افغانستان بخاطر انکشاف و رشد میدان هوایی هرات است که نه تنها به نفع هرات بلکه به نفع تمام مردم افغانستان است. و ماهایت خرسندیم که با مردم افغانستان کمک و معاونت میکنیم. این میدان یک عامل مهم برای انکشاف و پیشرفت همه مملکت می باشد. کار پروژه جدید میدان هوایی هرات در ظرف چهار ماه آغاز میشود. مقامات میگویند با تکمیل شدن این پروژه، پروازهای بین المللی از میدان هوایی هرات افزایش می یابد. پروازها از هرات به دهلی نو سه ماه قبل آغاز شده است.

همصدایی زنان افغان با یک میلیارد زن معترض دنیا
۱۳ فبروری/کابل - ۸ صبح: صدها زن و مرد افغان، با یک میلیارد معترض در سطح جهان همصدایشده و خواستار تامین مصونیت زنان، به دادگاه کشاندن عاملان خشونت و همچنین پایان دادن به خشونت علیه زنان شدند. روز پنجشنبه چهاردهم فبروری، یک میلیارد معترض در سطح جهان ضد خشونت علیه زنان شعار داده و خواستار پایان دادن به تمام خشونت‌های جهان میشوند. بر اساس گزارش ملل متحد، از هفت میلیارد نفوس جهان سه میلیارد آن زنان تشکیل میدهند. سازمان ملل میگوید بررسی هاییکه در سطح جهان صورت گرفته، از هر سه زن یک زن با خشونت مواجه است.

نزدیک به پنج هزار نهاد مدنی در سراسر جهان، روز چهاردهم فبروری را بعنوان روز قیام ضد خشونت علیه زنان نامگذاری کرده و در این روز نزدیک به یک میلیارد زن و مرد در سراسر جهان، بر ضد خشونت علیه زنان شعار می دهند. صدها زن و مرد افغان نیز روز پنجشنبه ۴ دلو، با این حرکت جهانی همصدایشده و با راهاندازی راهپیمایی در کابل، خواستار تامین عدالت در کشور و پایان دادن به خشونت علیه زنان شدند.

این راهپیمایی که از سوی شبکه زنان افغان سازماندهی شده بود، در آن شعارهایی چون (خشونت بس است، ماعدالت میخواهیم، عاملان خشونت مجازات شوند) سر داده میشد. این راهپیمایی از چهار راهی زینق آغاز و به وزارت امور زنان خاتمه یافت. دکتر ترنیا بصیرنگ از کمیشنران کمسیون مستقل حقوق بشر، درین راه پیمایی گفت زنان در افغانستان با خشونت‌های شدیدی مواجه اند. او گفت: امروز در هر گوشه کشور ما زنان قربانی میشوند، لب و گوشان بریده میشود، سلاخی می شوند، فروش میروند، به بد داده میشوند، مورد تجاوز قرار میگیرند. امروز دختران ما جرئت نمیکنند که به مکتب بروند، نه امنیت دارند و نه مصونیت. باین حال، راهپیمایی کنندگان در قطعنامه خود میگویند زنان در افغانستان مانند گذشته در تاریکی زندگی میکنند و از حقوق اسلامی و انسانی خود بر خوردار نیستند. در قطعنامه راهپیمایی کنندگان آمده: (امروز کرامت انسانی ما با بریدن اعضای بدن، بد دادن، فروش و نکاح اجباری صدمه می بیند، کرامتی را که هدیه الهی است و باید ارج گذاشته شود. عاملان و مرتکبین خشونت علیه ماحکوم به اندکی مجازات شناخته نمیشوند، آزار و اذیت ناقص یک قاعده اخلاقی پنداشته نشده و اصلاح منجبت مختل کننده نظم جامعه به آن توجه مبذول نگردیده از سوی دیگر، ما زنان منجبت یک فرد جامعه در تصامیم ارزنده دولت سهیم نبوده، مشارکت و رهبریت ما نیز به شکل خیلی ضعیف و حنا نمایی می باشد. زنان در افغانستان در حالی با معترضان دیگر کشورهایشان را با خشونت علیه زنان سر میدهند که اخیراً با خشونت‌های وحشتناک مواجه بوداند.

بازی های روی کوچه
وتشله خود را طرف قط یا چوقوری نزدیک کرد و در آن انداخت، برنده شدن وی را اعلان میکنند، و بازی بهمین طریق ادامه می یابد.
غولک بازی: غولک را اکثر خودیچه ها از دو توته رابر و یک توته جرم برای گذاشتن سنگچل میسازند، یعنی رابرها را از دو جانب به توته جرم می بندند. بعد نوک دیگر رابرها را به یک دوشاخه که معمولاً از درختهای دور نزدیک می برند، بسته میکنند.
بچه ها با چنین اسلحه سردی نشان گیری کرده و هر کسی توانست سنگ ریزه را به هدف تعیین شده بزند، برنده شناخته می شود. ولی بعضی جوانانی که به شکار گنجشک و پرندۀ های کوچک علاقمند اند، با استفاده از این اسلحه، چند پرندۀ و اگر ماهر باشند پرندۀ های زیادی را شکار می کنند، و به خانه برده و مادران شان از آن قورمۀ مزه دار گنجشک می پزند.

تاصحبت آینه خدا بشما باشد /